



● حل مسئله حجاب با شهر هوشمند، اینترنت مکان‌ها، و افراز منصفانه

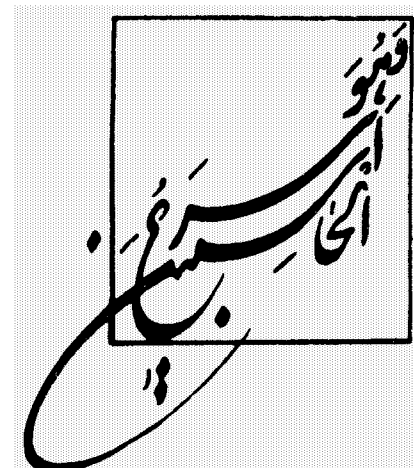
«دموکراسی بدون رواداری»

با ابزارهای شهر هوشمند

● نارواداری دموکراتیک فرح‌انگیز
به جای رواداری دموکراتیک رنج‌آور

- خودتان با «همکاری باز» شهر هوشمند خودتان را بسازید • اتویای افراز در فیلم لامینور
- دو دیدگاه معماری شهرهای هوشمند آینده • تعریف شهر هوشمند
- در این ۴۳ سال هنر ولایت فقیه چه بوده است؟ • حل «پارادوکس رواداری» با فناوری‌های شهر هوشمند
- نظریه ولایت فقیه ذاتاً نمی‌تواند نماینده بخش بزرگی از مردم باشد، و در نتیجه ذاتاً غاصب است
- نارواداری، تبعیض، ستم، فساد، سرشت نظریه ولایت فقیه برای یک جامعه متکثر

www.rizpardazandeh.com



ریزپردازنده

ماهنامه همگانی دانش و مهندسی کامپیوتر

سال ۳۲، شماره ۲۹۴، انتشار شهریور ۱۴۰۱
شماره شاپا: ۲۰۰۸-۲۰۰۸ (ISSN: 2008-2088)

■ صاحب امتیاز و مدیر مسئول: علیرضا محمدی فر

■ تلفن ماهنامه ریزپردازنده: ۸۸۴۳۴۱۶۹

■ تلفن همراه: ۰۹۱۲-۰۵۹۵۵۶۶

■ نمابر: ۸۸۴۲۱۱۷۰

■ نشانی: تهران، صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۶۵۹۱، مجله

ریزپردازنده (سهروردی، نیکان، پلاک ۲۳)

■ نشانی وب: <http://www.rizpardazandeh.com>

■ ایمیل: rizpardazandeh@gmail.com

■ کانال تلگرام: @rizpardazandeh

● اینترنت آدم‌ها (۵۹): حل مسئله حجاب با شهر هوشمند،

اینترنت مکان‌ها، و افراز منصافانه (دموکراسی بدون

رواداری) ۳/

● با ابزارهای شهر هوشمند «دموکراسی بدون رواداری» یا

«نارواداری دموکراتیک» ممکن است؟

● حل «پارادوکس رواداری» کارل پوپر با فناوری‌های شهر

هوشمند ۷/

● نارواداری، سرشت نظریه ولایت فقیه ۸/

● نظریه ولایت فقیه ذاتاً نمی‌تواند نماینده بخش بزرگی از

مردم باشد، و در نتیجه ذاتاً غاصب است ۸/

● در این ۴۳ سال هنر ولایت فقیه چه بوده است؟ ۸/

● نارواداری دموکراتیک فرح‌انگیز به جای رواداری

دموکراتیک رنج‌آور ۹/

● اتوپای افراز در فیلم لامینور ۱۲/

● تعریف شهر هوشمند ۱۳/

● دو دیدگاه معماری شهرهای هوشمند آینده ۱۹/

● خودتان با «همکاری باز» شهر هوشمند خودتان را

سازید ۲۳/



لیبرال دموکراسی صرفاً با اندیشه‌های جان لاک، اندیشمند سده هفدهم میلادی نمی‌توانست

شکل بگیرد، بدون ابزارهای محاسبه‌ای که عملیات محاسباتی را کم‌هزینه کنند _ تا مردم به سهولت بتوانند عملکرد دولت‌ها را ارزیابی و آنها را پاسخگو کنند _ و همچنین بدون رسانه چاپ کاغذی برای انتشار پرسش‌ها و پاسخ‌گویی‌ها، پاک‌رفتن لیبرال دموکراسی ممکن نبود.

اروپاییان در سده پانزدهم میلادی ابتدا با ترجمه کتاب‌های ایرانیان با دستگاه عددنویسی

دهدهی آشنا شدند که عملیات محاسباتی را بسیار آسان و کم‌هزینه می‌کرد. از آن گذشته،

کاغذ در اروپا تا پیش از سده ۱۲ میلادی یک کالای لاکچری بود، اما ایتالیایی‌ها در اوایل سده

۱۳ میلادی با الگوگیری از فناوری‌های کارخانه‌های کاغذسازی ایرانیان که از سده ۱۳ تا ۱۶

میلادی تولیدکننده مرغوب‌ترین کاغذهای دنیا بودند، کارخانه‌های کاغذسازی دستی با

محصولات با کیفیت قابل قبول و نسبتاً ارزان‌قیمت در جنوا و میلان دایر کردند. به تدریج، در

نقاط دیگر اروپا نیز کارخانه‌های کاغذسازی دیگری ساخته شد و قیمت کاغذ کمتر و کمتر شد.

اما آنچه قیمت کاغذ را معقول کرد اختراع دستگاه کاغذسازی هلندی (Hollander beater)

در سده هفدهم میلادی بود که سرعت تولید کاغذ را چندین برابر کرد.

کاغذ و همچنین دستگاه چاپ _ که گوتنبرگ در سده ۱۵ میلادی اختراع کرد _ هزینه

باسوادشدن را بسیار پایین آورد. یک نیاز بنیادین لیبرال دموکراسی برای این که بتواند دولت‌ها

را پاسخگو کند اجرای کم‌هزینه و عمومی عملیات محاسباتی است که در اروپا ابتدا با کاغذ و

قلم و دستگاه عددنویسی دهدهی و بعدها با ماشین‌حساب‌های مکانیکی ممکن شد.

یکی از بهترین نمونه‌های ماشین‌حساب‌های مکانیکی را بلز پاسکال (Blaise Pascal) در

سده هفدهم میلادی اختراع کرده است.

از آن گذشته، دولت مدرن برای برنامه‌ریزی آینده و برای پیشرفتی که بتواند آرای مردم را

به خود جلب کند به نظریه احتمالات نیاز داشته است که توسط بلز پاسکال و پیر دو فرما

(Pierre de Fermat) در سده هفدهم میلادی کشف شد. پیش از کشف نظریه احتمالات آینده

قلمروی انحصاری روحانیان و جادوگران بود. نیاز به نظریه احتمالات در دولت مدرن و در

لیبرال دموکراسی برای تسخیر قلمروی آینده سبب گردید که نهاد دانشگاه جای نهاد دین را

بگیرد.

از همین روی، بلز پاسکال را می‌توان یکی از نقش‌آفرینان مهم در شکل‌گیری دولت مدرن

و لیبرال دموکراسی دانست.

قدیمی‌ترین ماشین‌حساب‌های مکانیکی به‌جای‌مانده در دنیا ماشین‌حساب‌های بلز پاسکال

هستند. در این میان، نمونه ده رقمی موجود در درسدن آلمان، که تصویر آن در بالا آمده

است، بزرگ‌ترین آنهاست. هر شماره‌گیر دایره‌ای نماینده یک ارزش مکانی است _ یکان،

دهگان، صدگان، و مانند آن. هر شماره‌گیر با یک قلم تنظیم می‌شود. اعدادی که بناست جمع

شوند، یکی پس از دیگری وارد می‌شوند، حاصل جمع در پنجره بالایی به نمایش در می‌آید.

(عکس از موزه حمزه تبریزی؛ موزه علم و فناوری درسدن)

این اتوبوس به مقصد نمی‌رسد

حل مسئله حجاب با شهر هوشمند، اینترنت مکان‌ها، و افراز منصفانه (دموکراسی بدون رواداری)

■ طراحی شهر هوشمند با شناخت مسائل جامعه شهری و با حذف رنج

ویدئویی در شبکه‌های اجتماعی دست‌به‌دست شده است که در آن داخل یک اتوبوس بر سر حجاب دعوایی روی می‌دهد که در پایان آن دختری چادری به بیرون رانده می‌شود. هرچند، دیری نمی‌پاید که خبر بازداشت طرف دیگر دعوا در رسانه‌ها انتشار می‌یابد. به بیان دیگر، با این بازداشت هیچ یک از دو طرف دعوا به مقصد نمی‌رسند، چه او که بیرون انداخته شد، چه او که بازداشت شد. بی‌گمان، این رویداد برای هر دو رنج‌آور خواهد بود، یکی رنج و عذاب زندان و محاکمه را تجربه می‌کند، و دیگری رنج زیستن در جامعه‌ای را باید تحمل کند که تعداد بی‌شماری کم‌حجاب دارد، که چشم‌درچشم‌شدن با هر کدام‌شان نمی‌تواند رنج‌آور نباشد. اتوبوس این دو مسافر، ایران امروز ما با حاکمیت نظریه ولایت فقیه است.

حال تصور کنید، همان‌گونه که در این اتوبوس تصویری کوچک از یک انقلاب به نمایش در آمد، یک انقلاب ناگهانی در کشور روی بدهد و سکولارها پیروز شوند و این بار آنها بر قوانین و اجرای قانون در این اتوبوس حاکم شوند، آیا این بار این اتوبوس مسافران را به مقصد خواهد رساند؟ آیا در وضعیت جدید اختلاف بین دختر چادری و دختر بی‌حجاب یا کم‌حجاب حل خواهد شد؟ شاید موقتاً حل شود، اما تاریخ کشورمان به ویژه از زمان انقلاب مشروطیت به این سو نشان داده است که پاسخ به این پرسش منفی است. مشروعه‌خواهان در مورد حجاب و پاره‌ای از امور مذهبی دیگر نشان داده‌اند که ناروادار هستند و تاب‌آوری نمی‌کنند. پاره‌ای از اصلاح‌طلبان و دموکراسی‌خواهان بر این باورند که با گفت‌وگو و با نقد دین و یا با انتخابات و همه‌پرسی می‌توان نارواداری را به رواداری تبدیل کرد، بی‌آن‌که بتوانند به این پرسش پاسخ بدهند که چرا تا به حال با وجود انتشار آثار انتقادی فراوان، از دیوان حافظ گرفته تا ترجمه آثار و اندیشه‌های فیلسوفانی چون جان لاک و تا انتقادهای مستند ویدئویی شده و چندرسانه‌ای امروز، این گفت‌وگوها و این نقدها و این مستندها نتوانسته‌اند مسئله را حل کنند.

واقعیت آن است که گفت‌وگو و نقد دین و امروزه مستندهای ویدئویی از سبک زندگی‌های ناسازگار و متعارض _ که تقریباً همه روزه در شبکه‌های اجتماعی می‌بینیم _ زمانی مؤثر هستند که هر دو طرف، علم و به ویژه علم آمار و احتمال و همچنین پلورالیسم یا تكثر و رواداری دموکراتیک را بپذیرند. یک طرف مدعی است که حجاب امری الهی است که جامعه را کارآمد می‌کند و در نتیجه باید اجباری باشد و حاضر به مدارا نیست. این در

سه سال پیش در شماره ۲۷۰ ماهنامه ریزپردازنده در مقاله «معماری شهر هوشمند آینده با دو دیدگاه بهشت‌سازان و بهشت‌بران» گفتیم که دیدگاه بهشت‌بری یا دوزخ‌دورسازی با رواج فناوری «بازشناسی چهره» (facial recognition) به سمت تشکیل پرونده الکترونیک سطوح تبعیت تک‌تک افراد جامعه از احکام شرعی پیش خواهد رفت. در صفحه ۱۲ آن مقاله چنین آمده است:

ورود ابزارهای جدیدی مانند فناوری بازشناسی چهره افزون بر آن که می‌تواند امکانات جدیدی را برای مقابله با کم‌حجابی و بی‌حجابی فراهم کند می‌تواند برای تشویق یا اجبار به اجرای احکام دیگر _ که تا به حال ممکن نبوده است _ مانند برگزاری نماز اول وقت در مساجد نیز به کار گرفته شود. این امکان وجود خواهد داشت که در پرونده الکترونیک کسانی که چنین احکامی را اجرا نمی‌کنند نمره یا امتیاز منفی داده شود و اولویت در تخصیص منابع دولتی یا عمومی به دارندگان حساب‌های مثبت منظور گردد، که می‌تواند به پدیده‌هایی مانند تظاهر در جامعه، سبک زندگی ملامتیه (مکتبی در صوفی‌گری که پیروان آن از تظاهر به بی‌دینی برای پرورش «خود» یا «نفس» بهره می‌گرفتند)، و حتی بهشت‌گریزی و بهشت‌فروشی نیز بینجامد.

همچنین در آن مقاله گفتیم که فساد و روند نابودسازی خلاقیت از پیامدهای اجرای چنین دیدگاهی است. نادانگاهیان که توان اجرای روش‌های حکمرانی کارآمد نهاد دانشگاه را ندارند، ناچارند روش‌های دیدگاه بهشت‌بری یا دوزخ‌دورسازی افراطی را با استفاده از فناوری‌های دیجیتال به اجرا در آورند تا بتوانند تصدی انحصاری مناصب عالی را مشروع جلوه بدهند. به عنوان مثال، به تازگی یکی از مسئولان پرده از امکانات استفاده از بازشناسی چهره برای جریمه کم‌حجابی و بی‌حجابی برداشته است.

ادامه اجرای روش‌های دیدگاه بهشت‌بری به دلیل قطبیدگی‌های شدیدی که می‌تواند پدید بیاورد می‌تواند کشور را به سمت فروپاشی ببرد یا به سوی یک انقلاب هولناک بکشانند، که ریسکی بسیار بزرگ برای کشور عزیزمان ایران است، که حتی بر ضد منافع جامعه جهانی شیعه، یعنی یک ایران سکولار با اقتصاد قدرتمند و ماندگار است. با این همه، راه حل کارآمد برای جامعه‌ای با دو سبک زندگی همچنان که در این مقاله آمده است افراز منصفانه با بهره‌گیری از فناوری‌های شهر هوشمند است.

حالی است که مخالفان حجاب اجباری تفسیر **مشروع خواهان** از اجباری بودن حجاب در متن مقدس را درست نمی‌دانند و با آمارهای مختلف و با نام بردن از مثال‌های نقض فراوان، ادعای **کارآمدسازی** حجاب را ادعایی نادرست می‌دانند. برای نمونه، از بانوان برجسته‌ای همچون **مریم میرزاخانی، انوشه انصاری، فروغ فرخزاد، یا پروین اعتصامی** به عنوان مثال نقض نام می‌برند که به مراتبی عالی در علم، هنر، شعر، بازرگانی و مانند آن دست یافته‌اند. پس از چهل و سه سال حجاب اجباری هیچ بانوی باحجابی در کشور به مرتبت علمی روان‌شاد **مریم میرزاخانی** دست پیدا نکرده است. چنانچه حجاب کارآمدساز بود، دست‌کم هزاران بانوی باحجاب هم‌تراز یا بالاتر از تراز علمی این دانشمند برجسته در این ۱۴۰۰ سال که تعداد بسیار زیادی از بانوان مسلمان کشورمان باحجاب کامل بوده‌اند باید پدیدار می‌شد. اتفاقاً از زمانی که برخورد روادارانه با موضوع حجاب آغاز شده است تعداد بانوانی که استعدادهای خود را بروز داده‌اند بسیار بسیار بیشتر شده است. با یک جست‌وجو در اینترنت به راحتی می‌توان نام بانوان برجسته فراوانی را در سراسر جهان یافت که بی‌حجاب هستند یا بی‌حجاب بوده‌اند. در نتیجه، هیچ دلیل علمی و آماری نمی‌توان برای کارآمدسازی حجاب ارائه کرد. اگر دلیل قانع‌کننده‌ای وجود داشت دست‌کم در کشورهای پیشرفته‌ای که دانشگاه‌های توانمندی دارند اکثر بانوان محجبه می‌شدند. در همه کشورهای پیشرفته دنیا و در کشورهایی که به عنوان قدرت‌های نوظهور شهرت دارند و در حال توسعه‌ای پرشتاب هستند بی‌حجابی رواج دارد. اما در ایران‌مان که بیش از ۴۰ سال است حجاب اجباری حاکم است، به لحاظ اقتصادی بیش از ۴۰ سال است که تورم بالای مستمر را تجربه کرده‌ایم؛ در این مدت کشورهایی چون کره جنوبی، ترکیه، چین، سنگاپور، و مانند آنها بدون اجبار در حجاب بانوان به رشدهای اقتصادی خیره‌کننده دست یافته‌اند و برنامه‌های توسعه خود را به خوبی مدیریت کرده‌اند.

از آن گذشته، ۴۳ سال است که رسانه‌هایی مانند صداوسیما فعال بوده‌اند که با سیاست‌های کلی مقام ولایت فقیه اداره شده‌اند و ریاست آنها را ولایت فقیه منصوب کرده است و در این مدت میلیاردها دلار بودجه گرفته‌اند. این رسانه‌ها نه تنها در اقناع بخش بزرگی از بانوان کشور برای برگزیدن حجاب موافق فقه موفق نبوده‌اند بلکه امروزه به دلیل همین عملکرد ناکارآمد خود سبب شده‌اند که مرجعیت رسانه‌ای کشور آسیب جدی ببیند و بخش بزرگی از مردم به رسانه‌های اجتماعی و به رسانه‌های خارج از کشور توجه بیشتری پیدا کنند و نظام ناچار شود برای همکاری با پاره‌ای از رسانه‌های خارجی مجازات‌های سنگین در نظر بگیرد. به بیان دیگر، برای این رسانه‌ها در این ۴۳ سال میلیاردها دلار حیف و میل شده است و همچنان می‌شود، بی‌آن‌که بازدهی قابل قبولی را به دست بدهند. بالاخره، حامیان نظریه ولایت فقیه، یا متن مقدس را نادرست تفسیر کرده‌اند و نتوانسته‌اند دلایل قانع‌کننده‌ای برای

حجاب یا موسیقی ممنوعه، یا ماهواره و مانند آن ارائه کنند، و یا ولایت فقیه میلیاردها دلار را به دلیل سیاست‌گذاری‌های نادرست رسانه‌ای هدر داده است و در عمل جامعه را به سوی قطعی شدن سوق داده است، که نمونه‌ای از آن را در مستند ویدئویی دعوی حجاب دیده‌ایم.

بی‌گمان، یکی از اهداف دین اسلام، همچون ادیان بزرگ دیگر، تحمل آسان‌تر رنج‌های این جهانی است که با اجرای توصیه‌های دینی مانند حجاب می‌تواند تحقق یابد. چنین هدفی با هدف شهر هوشمند نیز که در پی کاستن از رنج انسان‌هاست همسوست. اما جریمه و زندان برای توصیه‌های دینی هنگامی معقول است که اکثریت قریب به اتفاق جامعه از دلایل پشت آن توصیه‌های دینی قانع شود. نهاد ولایت فقیه از عهده ارائه دلایل قانع‌کننده نمی‌تواند بر بیاید، چون به اتصال به منبع علمی متافیزیکی نیاز دارد.

در مجموع، حامیان نظریه ولایت فقیه در ارائه اسناد علمی یا دینی قانع‌کننده برای **کارآمدتوبودن** بانوان چادری یا باحجاب موفق نبوده‌اند، اگر موفق بودند، نه تنها جمعیت کم‌حجابان کشورمان بسیار کمتر از آنچه امروز هست باید می‌بود، بلکه با امکانات رسانه‌ای نهاد ولایت فقیه و بودجه هنگفتی که در این ۴۳ سال داشته است اکثر بانوان جهان باید حجاب شرعی را انتخاب می‌کردند. از سوی دیگر، کم‌حجابان نیز نتوانسته‌اند مشروع‌خواهان را در تغییر دادن قانون حجاب قانع کنند.

■ چرا نقد دینی و گفت‌وگو با نهاد دین در اروپا موفق بوده است و در ایران موفق نبوده است؟

اروپاییان در دوره رنسانس و روشنگری در برابر چنین ناسازگاری‌هایی در سبک زندگی و در شیوه حکمرانی، **نقد دینی و گفت‌وگو** با نهاد دین (مسیحیت) را در پیش گرفتند و با این روش موفق شدند که **سکولاریسم و لیبرالیسم و پلورالیسم** را در جوامع خود با **رواداری دموکراتیک** حاکم کنند. اما تاریخ نشان داده است که تجربه اروپاییان در کشورهایی مانند ایران موفقیت‌آمیز نبوده است، که احتمالاً ریشه در تفاوت‌هایی اساسی بین فقه و شریعت در مسیحیت و اسلام داشته باشد. به هنگام تخالف بین فقه و عرف، اگر فقیهان و محققان معتقد به **نظریه ولایت فقیه** قدرت داشته باشند از زور برای امور شرعی بهره می‌گیرند. آنها **امر به معروف** را بیشتر به معنی **امر به شرع و امر به احکام فقهی** می‌دانند. این تخالف لاینحل را در اشعار شعرا و نویسندگان مختلف کشورمان از **حافظ گرفته تا پروین اعتصامی** می‌توانیم ببینیم.

گفت‌وگو و نقد دینی و حتی خشونت (مانند اعدام **شیخ فضل‌الله نوری**) نتوانسته است مشروع‌خواهان و فقیهان معتقد به ولایت داشتن فقیه بر جامعه را برای **رواداری دموکراتیک** قانع کند. به عنوان مثال، چنین **گفت‌وگویی** را

با ابزارهای شهر هوشمند «دموکراسی بدون رواداری» یا «نارواداری دموکراتیک» ممکن است

از مشروطه به این سو به دنبال لیبرال دموکراسی بوده‌ایم و نتوانستیم به آن دست پیدا کنیم. چرا؟ لیبرال دموکراسی به تولرانس (tolerance) نیاز دارد، که با واژه‌هایی مانند مدارا، رواداری، تحمل، تساهل و تسامح، شبیهایی، بردباری، یا تاب‌آوری به آن اشاره می‌کنیم. تولرانس یعنی عقیده و باور دیگران را که با عقیده و باور شما هم‌خوانی ندارد تحمل کنید و تاب بیاورید، بی‌آن که گلايه یا شکایت کنید، حتی اگر به رنجیدن شما بینجامد.

رواداری دموکراتیک یک ستون مهم ساختمان لیبرال دموکراسی معرفی شده توسط فیلسوف برجسته سده هفدهم میلادی، جان لاک، بوده است. جوامع غربی اجازه دادند باورهای‌شان نقد شود، با این نقدها رنجیدند، اما تاب آوردند و به مدارا رسیدند، و در برابر از مزایای لیبرال دموکراسی برای رفاه خود بهره گرفتند.

اما در یکصد و بیست سال گذشته در جامعه ما نقد دینی و گفت‌وگو به مدارا و تحمل و تاب‌آوری دموکراتیک نینجامیده است. رنج‌های ناشی از باورهای متفاوت تحمل‌ناپذیر بوده است. به عنوان نمونه، به مسند ویدئویی مشهور دعوی حجاب در اتوبوس نگاه کنید، رنجی را ببینید که هر دو نفر بی حجاب و باحجاب در این اتوبوس می‌کشند. نخستین باورها به بی حجابی به دوران ناصرالدین شاه باز می‌گردد و حدود ۱۳۰ سال است که خود را نمایانده است، و امروزه کم حجابی _ که نشانه گرایش به بی حجابی است _ بسیار گسترده است.

برای مشروعه‌خواهان دیدن کم حجاب و بی حجاب در منظر عمومی بسیار رنج‌آور است و حتی گاه تحمل‌ناپذیر. جامعه مشروعه‌خواه ناروادار با نقد دینی و با گفت‌وگو و حتی با خشونت می‌تواند اعدام شیخ فضل‌الله نوری تولرانس‌پذیر نشده است. چون رنج‌های ناشی از رواداری دموکراتیک را نمی‌تواند تحمل کند. لیبرال دموکراسی با چنین فرهنگی ناممکن است، مگر این که چنین رنج‌هایی را حذف کنیم.

در شماره ۲۸۴ در مقاله «شهر هوشمند: به فرخندگی رنج کوتاه گرد» گفتیم که مهم‌ترین هدف شهر هوشمند حذف رنج انسان‌هاست. از همین روی، طراحان شهر هوشمند با بهره‌گیری از ابزارهای شهر هوشمند باید بتوانند رنج‌های ناشی از سبک‌زندگی‌های متعارض را حذف کنند.

همچنان که گفته شد تا پیش از ظهور فناوری‌های شهر هوشمند، لیبرال دموکراسی بدون رواداری ممکن نبود، اما امروزه به مدد این فناوری‌ها و فناوری‌هایی مانند اینترنت مکان‌ها و با افراز منصفانه (fair division) هر نوع سبک زندگی ویژه‌ای می‌تواند شهر هوشمند خودش را بسازد و بی‌آن که رنجی را برای رواداری بخواهد تحمل کند یک زندگی رؤیایی را تجربه کند. مثلاً مشروعه‌خواهان می‌توانند در بخشی از شهر هوشمند زندگی کنند که بانواش همگی چادری‌اند و اینترنتش را با فیلترینگ به اینترنت حلال تبدیل کرده‌اند.

هنگامی که رواداری دموکراتیک در جامعه ممکن نیست، راه حل یافتن روشی برای نارواداری دموکراتیک است. شهر هوشمند برای نخستین بار دموکراسی پایدار بدون رواداری و بدون رنج را ممکن ساخته است. □

در شاهکار شعری «مست و هشیار» اثر ماندگار پروین اعتصامی می‌توانیم ببینیم، که ابیات مختلف آن و به ویژه بیت آخر آن به این تخالف لاینحل بین محسب و مردم، و استفاده از حد شرعی برای مقابله با عُرف اشاره دارد:

گفت: باید حد زند هشیار مردم، مست را
گفت: هشیاری بیار، اینجا کسی هشیار نیست

به بیان دیگر، حتی اگر کل بانوان جامعه بی حجاب شوند بازهم مشروعه‌خواهان تاب‌آوری ندارند! نقد دینی و گفت‌وگو نمی‌تواند مسئله اتوبوس ما را حل کند. یک طرف «حجاب» را کلام خداوند می‌داند و با نقد دینی و گفت‌وگو کوتاه نمی‌آید. هرچند، ضعف در قدرت ممکن است سبب شود که مشروعه‌خواهان مدتی کوتاه بایند، اما همین که قدرت بگیرند، شعار «یا روسری یا توستری» را سر خواهند داد.

به عنوان مثال، در دوره انقلاب ۱۳۵۷ هم باحجابان و هم بی حجابان در مبارزه با نظام پادشاهی در کنار هم شرکت داشتند، و هیچ شعاری شبیه به شعار «ما روسری می‌خواهیم» وجود نداشت. اما چیزی از پیروزی انقلاب نگذشته بود که بحث حجاب مطرح شد. یک روحانی مشهور و تندروی آن روزها _ که به دلیل همین نوع تندروی‌ها بعدها در انتخابات‌های مختلف موفقیتی به دست نیاورد _ در یک سخنرانی برای توجیه سیاست «یا روسری یا توستری» این استدلال ناموجه و بی‌ربط را آورد که «چون هنگامی که حضرت علی (ع) حکومت را در دست گرفت و به قدرت رسید، بلافاصله خواستار برکناری معاویه شد، حالا که ما حکومت را به دست گرفته‌ایم و به قدرت رسیده‌ایم بدون فوت وقت باید حجاب را اجباری کنیم». به بیان دیگر، در دوران انقلاب که هنوز قدرت در دست فقیهان نبود هیچ بحثی از حجاب اجباری وجود نداشت، اما به محض پیروزی انقلاب و قدرت گرفتن مشروعه‌خواهان، بسیار زود به سوی اجرای این سیاست گام برداشتند.

این در حالی است که عُرف یکی از سازه‌های قانون‌گذاری است، که اگر قانون‌گذاران به آن توجه نکنند و قوانینی برخلاف عُرف تصویب کنند قانون‌شکنی در جامعه باب می‌شود، که هم فساد را در کشور گسترده می‌کند و هم می‌تواند به تدریج شیرازه جامعه را از هم پاشاند و به هرج و مرج بینجامد.

به لحاظ عُرفی، جامعه ما در حکومت پیشین حجاب اختیاری را پذیرفته بود، اما پس از انقلاب بدون توجه به این عُرف جامعه، حجاب را اجباری کردند، و چون فرهنگ بی حجابی و حجاب اختیاری وجود داشته است، از همان ابتدا مخالفت‌ها آغاز شد، و نوعی ضدیت گسترده با این قانون پدید آمد. موسیقی پیش از انقلاب نیز یکی دیگر از فرهنگ‌های پذیرفته شده دست‌کم در میان بخش بزرگی از جامعه بود (کافی است همین امروز به مراسم عروسی بسیاری از مردم سر بزنید، در اکثر آنها بسیاری از آهنگ‌های پیش از انقلاب بازخوانی می‌شود)، که آن هم بی‌هیچ دلیل منطقی ممنوع گردید.

شاداب نخواهد ساخت. آیا جامعه ما راه‌حلی بومی برای گشودن یک راه به سوی سعادت ندارد؟ آیا امکانات شهر هوشمند نمی‌تواند چنین رنج‌هایی را در شهر حذف کند؟



مشت نمونه خروار است. در این مجتمع ساختمانی، همه آپارتمان‌ها دیش ماهواره دارند. فرجام تصمیم‌سازی به روش‌های نادانگاہی همین می‌شود که «گر حکم کنند که مست گیرند، در شهر هر آن چه هست گیرند». نادانگاہیان به اعداد توجه ندارند تا دریابند که ارسال پارازیت فقط ناراضی و قبیله‌گرایی را در جامعه به شدت افزون می‌کند. به جای آن که از این فرصت فناوری همچون کشورهایی مانند ترکیه برای توسعه اقتصاد خود بهره بگیرند، هنوز که هنوز است قانون ممنوعیت گیرنده‌های ماهواره‌ای را لغو نکرده‌اند.

آیا نتیجه جرمیه کم‌حجابی یا بی‌حجابی همان نتیجه‌ای نخواهد بود که سال‌ها پس از حمله به خانه‌های مردم برای مصادره دیش و گیرنده و جرمیه آنان می‌بینیم؟

هنگامی که راه حل کارآمد شهر هوشمند و افراز منصفانه وجود دارد چرا جرمیه برای کم‌حجابی و چرا ناراضی‌سازی بیش از پیش مردم؟

(عکس از ماهنامه ری‌پروداژنده؛ تهران: ۱۴۰۱/۶/۷)

حد 3.5 درصد حد بسیار مهمی است، که به قانون 3.5 درصد^۱ یا عدد چنوو^۲ مشهور است (برای اطلاعات بیشتر بخش حاشیه‌ای قانون چنوو^۲ را بخوانید). پیش از آن که جمعیت حامیان فعال هر نوع سبک زندگی به 3.5 درصد جمعیت کشور برسد باید قوانین را مطابق خواست آن سبک زندگی اصلاح کرد، در غیر این صورت، به تنش و گسترش قانون‌شکنی منجر خواهد شد که می‌تواند هزینه‌های سنگینی را برای جامعه فراهم کند.

قدم‌زدن در خیابان‌های بسیاری از شهرهای کشور به خوبی نشان می‌دهد که طرفداران کم‌حجابی _ که در واقع گرایش به بی‌حجابی است _ بسیار

عدم توجه به چنین فرهنگ‌هایی سبب شد که در این چهل و سه سال، حکومت با بخش بزرگی از مردم در عمل بجنگد و با هزینه‌های بی‌مورد سنگین نیروهایی مانند گشت ارشاد را تشکیل بدهد و هزینه‌های تبلیغاتی بسیار هنگفتی را علیه این فرهنگ‌ها بر مردم تحمیل کند. چه بخواهیم چه نخواهیم، موسیقی و آهنگ‌های پیش از انقلاب بخشی از فرهنگ بخش بزرگی از مردم بوده است و هنوز هم هست، چقدر ایست و بازرسی برای موسیقی گذاشته شد، چقدر نوار کاست شکسته شد، آیا این همه جنگ توانست موسیقی پیش از انقلاب را نابود کند؟ پس از سال‌ها جنگیدن علیه نوار کاست و هزینه‌های بسیار سنگینی که بر مردم تحمیل گردید، سرانجام، چون مشروعه‌خواهان به این نتیجه رسیدند که قدرت مقابله با نوار کاست را ندارند، به ناچار شکست را پذیرفته و بازرسی داخل خودرو برای موسیقی ممنوعه را رها کردند. هرچند، مسئله موسیقی ممنوعه همچنان باقی است.

قوانینی مانند قانون حجاب اجباری یا قانون ممنوعیت استفاده از گیرنده‌های ماهواره یا ممنوعیت استفاده از موسیقی ممنوعه یا قوانین محدودسازی اینترنت _ که بخش بزرگی از جامعه چنین ممنوعیت‌هایی را قبول ندارند _ در عمل با قانون‌شکنی را چنان متداول می‌کنند که به فروپاشی جامعه و هرج و مرج بینجامد، یا به دوقطبی‌شدن جامعه و در نهایت به یک انقلاب احتمالاً خشونت‌بار ختم شود. یک پیامد دیگر قوانین مخالف عُرف که قبح قانون‌شکنی را پایین می‌آورد، گسترش فساد است.

به عنوان نمونه، قبیله‌گرایی در اتوبوس بین دختر باحجاب و بی‌حجاب در اشل و مقیاسی کوچک نشان داده است که امکان و احتمال وقوع یک انقلاب هولناک و خشونت‌بار در کشور وجود دارد، و نمی‌توان و نباید آن را نادیده گرفت. این تنش‌ها به مرور فشارهای روحی را در هر دو طرف به شدت افزایش خواهد داد. از آن گذشته، بیشترین فشار روحی بر نیروی انتظامی وارد خواهد شد، نیرویی که سلامت روحی آنان برای امنیت کشور بسیار اساسی است و نباید برای آنها مأموریت‌هایی را محول کرد که از جنس فرهنگ و سلیقه و سبک زندگی هستند، نه از جنس جُرم، و می‌تواند به روح و روان‌شان آسیب وارد کند.

آن دو دختر با دو سبک زندگی متفاوت و با دو نگرش متفاوت به جامعه‌ای بهتر و به آینده‌ای بهتر می‌اندیشند. یکی بهشت آن‌جهانی را می‌خواهد، هم برای خودش و هم برای دیگران؛ آن دیگری می‌خواهد این جهان با قرارگرفتن در یک مسیر توسعه پایدار به بهشتی تبدیل شود که در آن تا حد امکان از میزان رنج‌ها کاسته شود. هر دو برای این هدف خود همواره در استرس و ناآرامی‌ای شدید قرار دارند، با آن که نیت هر دو آینده‌ای بهتر برای جامعه است، با این فشارهای روحی شدید هر دو در بلندمدت بیمار خواهند شد. فشارهای روحی شدید بر روی مادران آینده، فرزندان‌شان را فرزندانی

¹ 3.5% rule

² Chenoweth number

جامعه شکل نگیرد. در یک جامعه متکثر، حاکمیت ولایت فقیه ناچار به اجرای سیاست‌های تبعیض‌گرایانه است که پیامد آن ناکارآمدی، ستم، و فساد است که با روح دین در تناقض است.

■ ناکارآمدی، ستم، و فساد پیامد یک تبعیض آشکار:

در این ۴۳ سال هنر ولایت فقیه چه بوده است؟ به چه دلیلی جای نهاد دانشگاه نشسته است؟

اساساً نظریه ولایت فقیه بر بنیاد یک تبعیض آشکار و کاملاً غیرعقلانی بنا شده است. این نهاد دانشگاه است که تقریباً همه مسائل یک دولت مدرن _ از اقتصاد گرفته تا صنعت، شهرسازی، سلامت، انرژی، کشاورزی، ارتباطات، آموزش، گردشگری، قضاوت، و... _ را تجزیه و تحلیل می‌کند، راه حل ارائه می‌دهد، سیاست‌گذاری می‌کند، روش‌های تصمیم‌سازی را مشخص می‌کند، و ابزارهای کمکی مانند کامپیوتر، هوش مصنوعی، و شهر هوشمند را فراهم می‌کند. چهل‌وسه سال حکومت نهاد فقاقت در عمل نشان داده است که هیچ داشته‌ای و هیچ سواد و هیچ هنری و هیچ فرمول و مدلی برای یک توسعه پایدار و رفاه مردم نداشته است که بتواند این تبعیض آشکار را توجیه کند و منصبی را که به طور طبیعی باید به نهاد دانشگاه تعلق داشته باشد اشغال کند. میانگین رشد اقتصادی چندین کشور مختلف جهان که به نهاد دانشگاه اتکا داشته‌اند در این ۴۳ سال از میانگین رشد اقتصادی کشورمان با حاکمیت ولایت فقیه بیشتر بوده است، نهاد فقاقت چه مزیتی داشته است؟

در این ۴۳ سال، حکومت ولایت فقیه به جز قوانینی مانند قوانین حجاب و موسیقی و ماهواره و محدودسازی اینترنت که در عمل استرس‌های شدیدی را بین مردم دارای دو سبک زندگی متفاوت تحمیل کرده است _ که در عمل جامعه را بیمار می‌کند _ کدام مدل‌ها یا فرمول‌های فقهی متمایز اقتصادی یا سیاسی یا اجتماعی را معرفی کرده است یا به اجرا گذاشته است که سبب رشد اقتصادی و رفاه خیره‌کننده یا پدیدآمدن احزاب سیاسی پر قدرت و یا بانشاط و شاد شدن جامعه شده باشد؟ وضع قوانینی مانند قانون حجاب و موسیقی و ماهواره و محدودسازی اینترنت که جز ناراضی کردن بخش بزرگی از جمعیت کشور فایده‌ای ندارند و حتی زیان‌بار هستند فرمول‌های پیچیده‌ای ندارند که نیاز باشد مناصب مهم کشور به گونه‌ای تبعیض‌آمیز و مادام‌العمر در اختیار بخشی از یک صنف ویژه باشد.

از همین روی، از آنجا که نظریه ولایت فقیه صرفاً با یک شیوه و با یک سبک زندگی ویژه همخوانی دارد نمی‌تواند از تمام پتانسیل‌های یک جامعه متکثر بهره بگیرد و به گونه‌ای کارآمد جامعه را رهبری کند. چهل‌وسه سال تورم مستمر بالا، چهل‌وسه‌سال دعوی حجاب و موسیقی و بعدها ماهواره و محدودسازی اینترنت، تعداد بالای مقامات ارشد سیاسی مغضوب، چهل‌وسه سال روابط بین‌الملل نامطلوب، پدیدآمدن بحران‌های زیست‌محیطی، یا فساد گسترده نشان می‌دهد و ثابت می‌کند که نظریه ولایت

بیشتر از 3.5 درصد از جمعیت کشور هستند. طرفداران استفاده از گیرنده‌های ماهواره‌ای یا موسیقی ممنوعه نیز بسیار بیشتر از 3.5 درصد از جمعیت کشور هستند. حکمرانی عقلانی در برابر چنین گرایش‌هایی دو راه در پیش دارد، یا طرفداران این گرایش‌ها را با منطق و علم قانع کند که گرایشی که دارند درست نیست و مثلاً به زیان جامعه است، یا اگر از عهده اقناع بر نیامد قانون را به نفع آنان اصلاح کند. مقابله، چه با زندان چه با جریمه از طریق فناوری بازشناسی چهره و مانند آن، و عدم توجه به اعدادی مانند عدد جنووت به تشدید قطبیدگی و در نهایت به فروپاشی یا به انقلاب ختم خواهد شد.

حل «پارادوکس رواداری»

با فناوری‌های شهر هوشمند

توصیه به رواداری در اشعار شاعران بزرگمان در سده‌های ۱۳ و ۱۴ میلادی کم نیست، به ویژه در دیوان حافظ، مانند دو نمونه زیر:

- آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است - با دوستان مروت با دشمنان مدارا
- اگر دشنام فرمایی و گر نفرین دعا گویم - جواب تلخ می‌زید لب لعل شکرخا را
- یک بیت نمونه از مولوی و یک بیت نمونه از سعدی نیز در زیر آمده است:
- سخت‌گیری و تعصب خامی است - تا جبینی کار خون‌آشامی است
- تو با خلق سهلی کن ای نیکبخت - که فردا تگیرد خدا با تو سخت

توصیه‌های فراوان شاعرانمان به رواداری نشان‌دهنده رایج بودن نارواداری است، که تا امروز ادامه دارد و مسئله‌ای حل‌نشده باقی مانده است. در غرب، با جنگ‌هایی که نارواداری در سده‌های شانزدهم تا هجدهم میلادی به پا کرد مسئله رواداری مورد توجه اندیشمندانی چون جان لاک قرار گرفت و رساله «یک نامه درباره رواداری» او منتشر شده در سال ۱۶۸۹ به عنوان نخستین مقاله فلسفی جدی در این باره مطرح شده است، و سبب گردید به یکی از مهم‌ترین مفاهیم فلسفه سیاسی رفرمیست‌های اروپا تبدیل شود. یک پرسش پارادوکسیکال مهم درباره رواداری آن بوده است که «آیا در برابر نارواداران باید رواداری کنیم؟» فیلسوف برجسته‌ای چون کارل پوپر «پارادوکس رواداری» را مطرح کرده است: اگر رواداری جامعه نامحدود باشد سرانجام از سوی نارواداران از پای در خواهد آمد. نتیجه‌ای که پوپر می‌گیرد این است که جامعه روادار ناچار است در برابر نارواداری ناروادار باشد. به بیان دیگر، اجتماع رواداران و نارواداران ممکن نیست. از سوی دیگر، جان رالز، فیلسوف بزرگ یک سده اخیر، تلاش کرد رواداری را توسعه بدهد و جامعه حدی از رواداری را در برابر نارواداران بپذیرد، مگر آن که رواداری در جامعه به خطر بیفتد. با این همه، نظریه رالز نمی‌تواند «پارادوکس رواداری» را به طور کامل حل کند.

در واقع، فیلسوفان پیشا-شهرهوشمند چون شهر را یک پارچه می‌بینند نمی‌توانند «پارادوکس رواداری» را حل کنند. افراز و آناشسیم با فناوری‌های شهر هوشمند، اینترنت مکان‌ها، اینترنت آدم‌ها، و افراز منصفانه می‌تواند به مسئله «پارادوکس رواداری» خاتمه بدهد. □

نظریه ولایت فقیه فقط در صورتی می‌تواند کارآمد عمل کند که قریب به اتفاق مردم احکام شرعی و سبک زندگی را مطابق خوانشی که نظریه‌پردازان ولایت فقیه تبیین می‌کنند به طور اختیاری اجرا کنند، و هیچ گروه دیگری با جمعیتی دست‌کم در حد قانون 3.5 درصد و با یک سبک زندگی ناسازگار در

فقیه سواد قانون‌گذاری یا سواد اقتصادی و سیاسی مورد نیاز برای حکمرانی یک جامعه متکثر و یک دولت مدرن را ندارد. کدام نظام حکمرانی در دنیا از ابزار شهر هوشمند برای عذاب‌دادن بخش بزرگی از بانوان نجیب بهره می‌گیرد؟ کدام نظام حکمرانی در دنیا قوانینی را وضع می‌کند که هم‌وطنان و هم‌کیشان یا حتی خانواده‌ها را به جان هم می‌اندازد؟

متن مقدس و شهر هوشمند افراز شده

هنگامی که با ابزارهای شهر هوشمند محدوده‌هایی را به عنوان محدوده‌های رواداران و نارواداران به انتخاب مردم تعیین کنیم، هر محدوده یک ملک مشاع یا یک خانه بزرگ می‌تواند در نظر گرفته شود که در آن یا مشروعه‌خواهان ناروادارانه با قوانین شرع ساکنند و یا سکولارها با قوانین سکولار و روادارانه. هر چنین ملک مشاع یا خانه بزرگی، حریم خصوصی ساکنان آن ملک یا خانه است که کسی بی‌اجازه، چه به لحاظ شرع مقدس چه به لحاظ قواعد لیبرال دموکراسی، نمی‌تواند وارد آن شود.

مشروعه‌خواهان تنها در صورتی اجازه ورود به محدوده سکولارها را خواهند داشت که با هیچ‌کس در آن محدوده به بهانه‌هایی مانند امر به معروف برای حجاب نارواداری نکنند؛ و سکولارها در صورتی اجازه دارند که وارد محدوده مشروعه‌خواهان شوند که مسائل شرعی مانند حجاب را رعایت کنند.

شایان ذکر است که یکی از آیات شگفت‌انگیز قرآن کریم درباره حریم خصوصی و مهم‌تر درباره **مدارای دموکراتیک** در سوره نور، درست چهار آیه پیش از آیه‌ای آمده است که در آن بانوان «مؤمن» را به حجاب توصیه می‌کند، و در نتیجه به لحاظ شرعی اهمیتی بیشتر از حجاب می‌تواند داشته باشد، و بی‌جهت پیش از آن آیه نیامده است (که بارها و بارها از طرف مشروعه‌خواهان به دلیلی مانند مصادره‌گرنده‌ها و دیش‌های ماهواره‌ای نادیده گرفته شده است)؛ این آیه به مؤمنان تأکید می‌کند که به خانه‌هایی اجازه ندارند وارد شوند که با صاحبان آنها «أنس» ندارند. «أنس» به معنی **ملاطفت و دوستی**، ریشه واژه «تَسَانُؤًا» است که در این آیه آمده است، که **مدارا و رواداری** جزئی از معنی آن است.

به بیان دیگر، نظر به این که خانه یک بخش افرازی شهر است، می‌توان به این نتیجه رسید که در شرع مقدس **حق افراز و حقوق حریم خصوصی و جلوگیری از نارواداری** برای بخش‌های افراز شده به رسمیت شناخته شده است؛ به بیان دیگر، ورود به محدوده‌های با سبک زندگی سکولار برای دعوا و تنش با اهل آن محدوده‌ها به بهانه امر به معروف حتی شرعاً نمی‌تواند جایز باشد. اگر رواداری ندارید وارد نشوید. به همین‌سان، سکولارها فقط در صورتی می‌توانند وارد حریم مشروعه‌خواهان شوند که رواداری کنند و قوانین آنها را رعایت کنند. به این ترتیب، شهر هوشمند افراز شده نه تنها می‌تواند از رنج ساکنان بکاهد، بلکه نمی‌تواند شهری مغایر با شرع مقدس تلقی شود. □

■ نارواداری، تبعیض، ناکارآمدی، ستم، و فساد،

سرشت نظریه ولایت فقیه برای یک جامعه متکثر

مهم نیست که قانون 3.5 درصد چه می‌گوید، این سرشت نظریه ولایت فقیه است که احکام شرعی را بدون رواداری و با زندان و جریمه به اجرا در آورد — که وظیفه ذاتی ولایت فقیه در این نظریه است. از همین روی، با این نظریه در یک جامعه متکثر و درهم‌آمیخته (متدین و سکولار) نمی‌توان به یک نظام

حکمرانی کارآمد یا به لیبرال دموکراسی رسید که بنیاد آن رواداری دموکراتیک است و می‌تواند از تمام پتانسیل جامعه برای پیشرفت و توسعه بهره بگیرد. این در حالی است که نارواداری سرشت ولایت فقیه است — که بخشی از جامعه به آن باور دارند.

نظریه ولایت فقیه برای یک جامعه متکثر ذاتاً نمی‌تواند نماینده بخش بزرگی از مردم باشد، و در نتیجه ذاتاً غاصب است

از سوی دیگر، نظریه ولایت فقیه ذاتاً ناچار است جامعه را به خودی (مؤمن به ولایت فقیه یا مشروعه‌خواه) و ناخودی (سکولار و یا مشروطه‌خواه یا دموکراسی‌خواه یا حتی بی‌تفاوت) تقسیم‌بندی کند. اگر جمعیت ناخودی‌ها با در نظر گرفتن عدد چنونت قابل توجه نبود نظریه ولایت فقیه مشکلی پیدا نمی‌کرد. اما کافی است در خیابان‌های شهرهای مختلف کشور قدم بزنید تا حضور پرتعداد یک سبک زندگی ناخودی را صرفاً از روی ظاهر عابران مشاهده کنید. نظریه ولایت فقیه ذاتاً نمی‌تواند این سبک از زندگی را نمایندگی کند. به بیان دیگر، نظریه ولایت فقیه ذاتاً نمی‌تواند نماینده بخش بزرگی از مردم باشد و در نتیجه ذاتاً غاصب حکومت برای آن بخش از مردم است. به عنوان مثال، با آن که در کوچه و خیابان با بانوان کم‌حجاب فراوانی روبه‌رو می‌شویم، این قشر هیچ نماینده‌ای در مجلس نمی‌تواند داشته باشند.

هنگامی که رهبر یک کشور صرفاً نماینده بخشی از مردم باشد واضح است که نه تنها نمی‌تواند یک حکمرانی کارآمد را — که به بهره‌گیری از تمام پتانسیل جامعه نیاز دارد و نه صرفاً خودی‌ها — به نمایش بگذارد، بلکه تبعیض و ناشایسته‌سالاری را و در نتیجه ستم را در جامعه نهادینه می‌کند. تقسیم‌بندی خودی و ناخودی — که در ذات نظریه ولایت فقیه است — می‌تواند شکل‌های مختلفی به خود بگیرد، مانند خواص و عوام، مؤمن و کم‌ایمان، مؤمن و ضدانقلاب، متدین و بی‌دین، مؤمن و کافر، مؤمن و مشرک، و...، که به ویژه موارد آخر مسئله‌آفرینند.

به عنوان مثال، اگر مسئول دیوانی که مستقیم یا با چند واسطه از جانب ولایت فقیه انتخاب می‌شود چنین تقسیم‌بندی‌ای را به کار ببندد و مثلاً فردی را که با آن دیوان سروکار پیدا کند کافر بپندارد با امکاناتی که دارد هر بلایی را می‌تواند بر سر این فرد بیاورد و حتی اموالش را غنیمت جنگی بینگارد. قاضی دادگاه با اِعمال نفوذ چنین مسئولانی به لکنت زبان می‌افتد. لکنت زبان قاضی به معنی آن است که آن فرد و بخش بزرگی از مردم در برابر واسطه‌های منتخب ولایت فقیه بی‌پناه هستند. هنگامی که تبعیض سرشت نظریه ولایت فقیه باشد ناکارآمدی، ستم و فساد نیز سرشت نظریه ولایت فقیه است، که با روح دین در تناقض است. نظریه ولایت فقیه تنها در صورتی می‌تواند از این تناقض خارج شود که جامعه افراز شود و این نظریه فقط بر مؤمنان به ولایت فقیه حاکم باشد، که سبب می‌شود تبعیضی در کار نباشد.

به اجمال، توسعه پایدار و رفاه (یا بهشت‌سازی) تخصص نهاد دانشگاه و بهشت‌بری تخصص نهاد حوزه و فقاقت است. همان‌گونه که نهاد دانشگاه هیچ

مکان‌ها^۶ می‌تواند این مسئله دموکراسی‌ها را به خوبی حل کند و نظام‌های حکمرانی منصفانه‌تر و کارآمدتری را پدید بیاورد.

ای-دموکراسی و شهر هوشمند این پتانسیل را دارند که گذار به وضعیت آرمانی آفارشسیم یا همه‌دولتی را فراهم کنند. شکفتن آن که آفارشسیم همچنان واژه‌ای هراس‌آور است، چون بلافاصله بی‌قانونی یا بی‌نظمی و هرج‌ومرج را تداعی می‌کند. اما چون چندقانونی^۷ که یک شکل آفارشسیم است تا یک دهه پیش به یک نیروی انتظامی و دادگستری پرهزینه نیاز داشته است، نمی‌توانسته است به یک نظام حکمرانی کارآمد تبدیل شود. با این حال، امروزه به مدد فناوری و به ویژه فناوری‌های اینترنت مکان‌ها و شهر هوشمند به آسانی می‌توان در مکان‌های مختلف قوانین مختلف را پیاده کرد. افزون بر این، فناوری‌های اطلاعات برای انعطاف‌پذیر کردن قوانین نیز امکانات بسیار خوبی فراهم می‌کنند؛ مقررات مربوط به محدوده طرح ترافیک تهران یک نمونه خوب از انعطاف‌پذیری در اجرای قوانین است، که به مدد فناوری‌های اطلاعات ممکن شده است.

قانون چنوت یا قانون 3.5 درصد

قانون 3.5 درصد بر اساس پژوهش‌های خانم اریکا چنوت (Erica Chenoweth) به دست آمده است و می‌گوید که برای ایجاد تغییرات، مشارکت تنها درصد کمی از مردم ضروری است. همه جنبش‌هایی که مشارکت فعال و پایدار فقط 3.5 درصد از مردم را به دست آورده‌اند با پیروزی مواجه شده‌اند و اگر این جنبش‌ها از حد 3.5 درصد از جمعیت پیشی بگیرند، همگی بدون خشونت می‌شوند. امروزه این قانون تجربی به مدد شبکه‌های اجتماعی لحظه به لحظه موج‌آفرینی می‌کند، زیرا گردآوردن سه‌ونیم درصد از مردم جوامع مختلف بسیار آسان شده است. □

نارواداری دموکراتیک فرح‌انگیز به جای رواداری دموکراتیک رنج‌آور

همچنان که در مورد مسئله حجاب گفته شد رأی اکثریت و مداخلای پلورالیستی چاره کار نیست، زیرا چه حجاب اجباری رأی بیاورد، چه حجاب اختیاری یا حتی بی‌حجابی اجباری، بازهم مسائل قطعی‌دگی جامعه یا رواج قانون‌شکنی حل نخواهد شد. لیبرال دموکراسی یا لیبرالیسم سیاسی نمی‌تواند مسئله را حل کنند، زیرا به مدارا و رواداری دموکراتیک نیاز دارند. راه حل نوعی مصالحه اجتماعی است که از ای-دموکراسی، شهر هوشمند، اینترنت مکان‌ها، و افراز منصفانه بهره می‌گیرد. مصالحه اجتماعی در صورتی قابل حصول است که افراز با بهره‌گیری از اینترنت مکان‌ها صورت بگیرد؛ در یک مکان نمی‌شود به شکل درهم‌آمیخته هم کسانی زندگی کنند که به حجاب اجباری باور دارند و آن را می‌خواهند خودسرانه پیاده کنند و قوانین متعارض

تخصصی برای بهشت‌بردن مردم ندارد، نهاد فقاقت نیز هیچ تخصصی برای توسعه پایدار و رفاه مردم (یا بهشت‌سازی) ندارد. نه نهاد دانشگاه و نه نهاد فقاقت نمی‌تواند جای دیگری را بگیرد.

حکمرانی مطابق نظریه ولایت فقیه به شیوه‌ای که تاکنون حاکم بوده است چون بر بالادست نهاد دانشگاه قرار می‌گیرد و حتی سیاست‌های کلی آن را تعیین می‌کند، کارآمد نیست، با تبعیض و ناشایسته‌سالاری و ستم و فساد همراه است، و کشور را سرانجام یا به سوی فروپاشی یا به سوی انقلابی خشونت‌بار می‌کشانند. سرشت این نظریه به گونه‌ای است که نمی‌تواند شهروندان با حقوق برابر را به رسمیت بپذیرد. آنچه این نظریه به رسمیت می‌شناسد، شرع‌وند است، یعنی کسانی که سبک زندگی‌شان مطابق خوانش شریعتی است که نظریه ولایت فقیه ترسیم می‌کند. اگر همه مردم در جامعه شرع‌وند باشند حکومت ولایت فقیه برای‌شان کاملاً کارآمد است، چون برای آنها بهشت آن جهانی بسیار مهم‌تر است تا رفاه این جهانی. اما گوناگونی یک واقعیت انکارناپذیر جامعه است و همه مردم، شرع‌وند مطابق خوانش نظریه ولایت فقیه نیستند.

بخش بزرگی از جامعه در پی توسعه پایدار و رفاه هستند که از عهده نهاد دانشگاه بر می‌آید؛ آنها می‌خواهند شهروند باشند، که سکولاریسم یک ویژگی و خواسته آنان است. آیا راه حلی وجود دارد که شرع‌وندان بتوانند به گونه‌ای کارآمد از نظریه ولایت فقیه بهره ببرند، و در عین حال، شهروندان نیز بتوانند با لیبرال دموکراسی به آرزوی دیرینه خود برسند؟ آیا برای دو سبک زندگی ناسازگار شرع‌وندی و شهروندی راه حل بدون تعارض وجود ندارد؟

ای-دموکراسی (E-Democracy)

همچنان که پیشتر گفته شد، هنگامی که در جامعه دو یا چند سبک زندگی و حتی دو یا چند سبک دیوانی وجود داشته باشد عدم انعطاف‌پذیری در قوانین و تحمیل قانونی که مطابق سبک زندگی و سبک دیوانی همه گروه‌های جامعه نباشد به ناکارآمدی حکمرانی و حتی به سطوحی از قطعی‌دگی در جامعه می‌انجامد.

دموکراسی مرسوم نمی‌تواند راه حل باشد، چون نهایتاً به رأی اکثریت و اراده اکثریت با رواداری دموکراتیک می‌انجامد، و نمی‌تواند سلیقه‌ها و خواسته‌های یک یا چند گروه قدرتمند ناروادار در جوامع دارای دو یا چند سبک زندگی متعارض که قوانین متفاوتی را می‌طلبند را برآورده کند، مانند وضعیتی که در کشور عزیزمان وجود دارد. ای-دموکراسی^۳ با افراز منصفانه^۴ از طریق شهر هوشمند، اینترنت چیزها^۵، اینترنت آدم‌ها^۶، و اینترنت

³ E-Democracy

⁴ fair division

⁵ Internet of Things

⁶ Internet of Humans

⁷ Internet of Places

پارتو^۸ دست پیدا کنند. به عنوان مثال، زندگی برای بخش **مشروع‌خواه** که در آن همه ساکنان، احکام شرعی مانند **حجاب** را دقیقاً رعایت می‌کنند و در پشت‌بام‌های‌شان اثری از دیش‌های ماهواره نیست، یک زندگی رؤیایی خواهد بود.

مست و هشیار

محتسب مستی به ره دید و گریبانش گرفت

مست گفت: ای دوست این پیراهن است، افسار نیست

گفت: مستی، زان سبب افتان خیزان می‌روی

گفت: جرم راه رفتن نیست، ره هموار نیست

گفت: می‌باید تورا تا خانه قاضی برم

گفت: رو صبح آی، قاضی نیمه شب بیدار نیست

گفت: نزدیک است والی را سرای، آنجا شویم

گفت: والی از کجا در خانه خمار نیست؟

گفت: تا داروغه را گوئیم، در مسجد بخواب

گفت: مسجد خوابگاه مردم بدکار نیست

گفت: دیناری بده پنهان و خود را وارهان

گفت: کار شرع، کار درهم و دینار نیست

گفت: از بهر غرامت، جامه‌ات بیرون کنم

گفت: پوشیده است، جز نقشی ز پود و تار نیست

گفت: آگه نیستی کز سر در افتادت کلاه

گفت: در سر عقل باید، بی کلاهی عار نیست

گفت: می‌بسیار خوردی، زان چنین بی‌خود شدی

گفت: ای بیهوده‌گو حرف کم و بسیار نیست

گفت: باید حد زند هشیار مردم، مست را

گفت: هشیار بیار، اینجا کسی هشیار نیست

پروین اعتصامی

شهر هوشمند و آنارشیسم یا همه‌دولتی

ژان ژاک روسو رأی اکثریت و اراده عمومی را که قانون را تعیین می‌کند منصفانه‌ترین راه حل برای خوشبختی جامعه می‌داند. اندیشمندانی مانند کُندورسه^۹ و کینت آرو^{۱۰} نشان داده‌اند که رأی اکثریت در دموکراسی مرسوم نمی‌تواند همواره منصفانه باشد، هرچند، دموکراسی در کشورهای غربی کارآمدی خود را نشان داده است^{۱۱}. اما دموکراسی در کشورهایی مانند ایران

با عُرف اجتماعی در آن حاکم باشد، و هم کسانی که به حجاب اجباری باور ندارند و آن را در عمل نمی‌پذیرند. راه حل شهر هوشمند افراز شده راه حلی است که هر دو طیف **مشروع‌خواه** و **سکولار** یا **مشروطه‌خواه** را خرسند می‌کند و همکاری را به جای دعوا می‌نشانند و **نارواداری دموکراتیک** لذت‌بخش را به جای **رواداری دموکراتیک** رنج‌آور جایگزین می‌کند و آرامش را به جای ناآرامی می‌گستراند و مسیر توسعه را برای کشور هموار می‌کند.

تقسیم منصفانه در سطح بهینه پارتو

تقسیم منصفانه‌ای را کارآمد (efficient) یا در سطح بهینه پارتو (Pareto-optimal) می‌نامند که نتیجه برای هر بازیگر به گونه‌ای باشد که بهتر از آن نتیجه برایش وجود نداشته باشد و دست کم به خوبی نتیجه سایر بازیگران باشد. به بیان دیگر، هیچ تقسیم دیگری وجود ندارد که نسبت به تقسیم انجام‌شده برتری داشته باشد، یعنی هیچ روش تقسیم کردن دیگری وجود ندارد که برای هر دو طرف به همین خوبی باشد، و برای یک طرف بسیار بهتر باشد. در اقتصاد، چنین تخصیصی، که نخستین بار توسط ویلفردو پارتو (Vilfredo Pareto)، اقتصاددان ایتالیایی قرن نوزدهم پیشنهاد شد، به بهینگی پارتو یا کارآمدی پارتو مشهور است. □

چرا افراز منصفانه؟

حضور همزمان و درهم‌آمیخته و قدرتمند دو سبک دیوانی ناسازگار (دو نظریه حکمرانی مشروع‌خواهی و مشروطه‌خواهی) و دو سبک زندگی ناسازگار در جامعه دست کم در یک سده گذشته یک مانع بزرگ برای توسعه پایدار کشورمان بوده است. تعداد حامیان هر دو نظریه و هر دو سبک زندگی بیش از 3.5 درصد از جمعیت کشور است، حدی از جمعیت که به قانون 3.5 درصد یا عدد چنوو^{۱۲} مشهور است. مطابق این قانون برای ایجاد تغییرات، به مشارکت تنها 3.5 درصد از مردم نیاز است و اگر جنبش‌های مردمی از حد 3.5 درصد از جمعیت پیشی بگیرند، همگی بدون خشونت می‌شوند.

ناسازگاری دو گروهی که آنها را مشروع‌خواه و مشروطه‌خواه یا دموکراسی‌خواه نامیده‌ایم در سبک دیوانی و در سبک زندگی به جنبش‌ها و خیزش‌های معمولاً ناموفق متعدد در یک سده گذشته انجامیده است. اتحاد این دو گروه در سال ۱۳۵۷ به پیروزی انقلاب منجر شد، اما این اتحاد دوام چندانی پیدا نکرد. هر دو گروه دلیل ناکارآمدی‌های خود را به فعالیت‌ها یا مدیریت‌های طرف مقابل نسبت می‌دهند.

به اجمال، راه حلی که شهر هوشمند و افراز منصفانه فراهم می‌کنند به هر دو گروه امکان می‌دهد که با افراز منصفانه به بیشترین کارآمدی در سطح بهینه

^۸ Pareto- optimal

^۹ Marquis de Condorcet

^{۱۰} Kenneth Arrow

^{۱۱} برای اطلاعات بیشتر به مقاله «ای-دموکراسی و بازی افراز منصفانه در شهر هوشمند» در شماره ۲۸۹ مراجعه کنید.

آنارشسیسم یا همه‌دولتی

یک صدوسی سال پیش یک کمونیستِ آنارشست به نام پتر کروپوتکین (Peter Kropotkin) _ که یک دانشمند زیست‌شناس برجسته نیز هست _ به اهمیت نقش همکاری در تکامل پرداخته است و در کتاب «یاری متقابل» (Mutual aid) خود چنین آورده است:

«در طبیعت علاوه بر قانون تنازع متقابل، قانون یاری متقابل نیز وجود دارد، که برای موفقیت تنازع بقا، و به ویژه برای تکامل پیش‌رونده گونه‌ها، بسیار مهم‌تر از قانون رقابت متقابل است. این پیشنهاد... در عمل چیزی نیست جز توسعه بیشتر نظراتی که خود داروین بیان کرده است.»^۱

کروپوتکین نه به دلیل نظریات زیست‌شناسی که به دلیل نظریه‌پردازی‌هایش در مکتب فکری آنارشسیسم شهرت دارد. مکتب آنارشسیسم برخلاف آنچه به آن شهرت یافته است، یعنی هرج و مرج، خشونت، و استیلا و وحشت در جامعه، اهدافی متعالی و انسانی دارد و به اداره جامعه با همکاری داوطلبانه همه مردم می‌اندیشد. یک علت سوء شهرت آنارشسیسم عدم درک درست معنی ظاهری این واژه بوده است که از واژه یونانی باستان *anarchia* به معنی بی‌دولتی برگرفته شده است. این در حالی است که مراد نظریه‌پردازان آنارشسیسم در اصل دولت همگانی یا همه‌دولتی بوده است، یعنی همه مردم این امکان را داشته باشند که داوطلبانه در اداره جامعه نقش بازی کنند. در واقع، امروزه فناوری‌های اطلاعات به ما نشان داده‌اند که هر دو معنی درست است، هم بی‌دولتی و هم همه‌دولتی. بیت‌کوین نمونه خوبی است: از یک سو، هیچ دولتی پشت آن نیست، از سوی دیگر، همه کاربران بیت‌کوین در مدیریت حساب‌داری این پول دیجیتال نقش دارند.

اهداف متعالی و انسانی کروپوتکین، همچون اهداف متعالی و انسانی کارل مارکس، در زمان خودشان و دست‌کم تا روزگار کنونی قابل تحقق یافتن نبودند، چون ابزارهای مورد نیاز وجود نداشتند. از همین روی، مارکسیسم و آنارشسیسم هر دو مکاتب ناموفقی بودند و روش‌های به‌کارگرفته‌شده آنها گاه چنان بوده است که شنیدن واژه‌هایشان حتی همین امروز انسان را دچار وحشت می‌کند. □

^۱ Nowak, M. A. (Martin A.) & Highfield, Roger. (2011), *Super-Cooperators: Altruism, Evolution, and Why We need Each Other to Succeed*, New York: Free Press.

عزیزمان با وجود بیش از دو قرن تلاش و ازخودگذشتگی‌های فراوان دموکراسی‌خواهان نتوانسته است پا بگیرد. علت همچنان که گفتیم آن است که رأی اکثریت و اراده عمومی نمی‌تواند قوانینی را در حوزه سبک زندگی و سبک دیوانی به تصویب برساند که مورد پذیرش هر دو گروه فعال سیاسی در کشور، یعنی مشروعه‌خواهان و دموکراسی‌خواهان قرار بگیرد. هر کدام از این دو گروه بیش از 3.5 درصد از جمعیت فعال جامعه را دارند و اجازه نمی‌دهند که اراده عمومی به گونه‌ای دائمی شکل بگیرد. نتیجه، ناکارآمدی نظام دیوانی و قطبی‌شدن تدریجی جامعه است. اما همچنان که گفتیم راه حل، گونه‌ای آنارشسیسم یا همه‌دولتی است که امکان وضع قوانین متفاوت برای گروه‌های متفاوت (اراده‌های گروهی) را فراهم می‌سازد و عوامل قطبی‌کردن جامعه را حذف می‌کند.

تا پیش از آن که امکانات شهر هوشمند به بازار بیاید آنارشسیسم یا همه‌دولتی و افراز یک کشور برای قوانین و سبک زندگی‌های متفاوت دشوار و پرهزینه و حتی ناممکن بوده است، اما امکانات شهر هوشمند و اینترنت چیزها و اینترنت آدم‌ها و اینترنت مکان‌ها سبب شده است که بتوان به آسانی بازی افراز شهر هوشمند را بی‌آن‌که انسجام جامعه را به هم بزنند در جزیره‌های گوناگون برای سبک زندگی‌های مختلف با قوانین مختلف به اجرا در آورد و عوامل قطبی‌شدن جامعه را حذف کرد.

آزموده را آزمودن خطاست

راه‌حل‌های پیشین، یعنی راه‌حل‌های نقد دین، گفت‌وگو، همه‌پرسی و انتخابات، یا حتی خشونت پاسخ نداده‌اند، در نتیجه، مسئله کشورمان به راه‌حل‌های نوین نیاز دارد. هنگامی که در یک ملک مشاع اختلاف پدید می‌آید، مالکین ناچارند یا کل ملک را بفروشند و هر کس سهم خود را بردارد، و یا اگر این ملک افرازپذیر باشد با بازی افراز منصفانه ملک را بین خود تقسیم کنند. فرض کنیم یک ملک افرازپذیر دو شریک داشته باشد. برای بازی افراز می‌توان از روش منصفانه مشهور «یکی تقسیم کند، دیگری انتخاب» بهره گرفت. کشور نیز یک ملک مشاع است که مردم آن کشور (ملت) مالکان آن هستند.

به عنوان مثال، شهر را می‌توان به دو یا چند جزیره افراز کرد به گونه‌ای که در پاره‌ای از جزیره‌ها سبک زندگی مطابق پسند مشروعه‌خواهان جاری باشد و در پاره‌ای دیگر سبک زندگی مطابق پسند مشروطه‌خواهان. انعطاف در جابه‌جایی هوشمند مرزها می‌تواند کمتر یا بیشترشدن جمعیت جزیره‌ها را در نظر بگیرد و محاسبه کند، و مرزها به طور هوشمند جابه‌جا شوند. این نوع افراز را از گذشته مردم در اماکن متبرکه مذهبی رعایت کرده‌اند، مثلاً بانوانی که در زندگی روزمره حجاب را کامل رعایت نمی‌کنند در هنگام ورود به این اماکن حجاب را کاملاً رعایت می‌کنند. □

¹² divide-and-choose

اتوپای افراز در فیلم

لامینور

استاد برجسته سینمای ایران، **داریوش مهرجویی** در فیلم «**اجاره نشین‌ها**» با صدایی رسا هشدار داد که اگر همکاری نکنیم ویران خواهیم شد. در شاهکار دیگر خود، «**نارنجی پوش**» هشدار داد که ناچاریم افکار پوسیده را جارو کنیم. در «**ستوری**» یک تراژدی از سنت و مدرنیته، یا از دو سبک زندگی **ناسازگار** را به تصویر کشید، که در جامعه‌مان به شکل جدالی پایان‌ناپذیر در آمده است، که تراژدی‌هایی می‌آفریند که بارها و بارها در زندگی واقعی شاهد آنها بوده‌ایم. اما «**لامینور**»، شاهکار جدید استاد همچون «**دایره مینا**» تکان‌دهنده است. **مهرجویی** در «**دایره مینا**» وضعیت فوق‌العاده نابسامان انتقال خون را کالبدشکافی می‌کند، و این بار در «**لامینور**» دو سبک زندگی **ناسازگار** را _ که اساسی‌ترین مسئله امروز جامعه ماست. «**لامینور**» به صراحت و با شجاعت نشان می‌دهد که **گفت‌وگو، مدارا، نقد، و حتی خشونت** نمی‌تواند **رنج‌ها، نارواداری‌ها، و ناسازگاری‌های این دو سبک زندگی و این مسئله** اساسی امروز ما را حل کند _ که همچون استخوان‌لای‌زخم سده‌هاست جامعه ما را گرفتار کرده است. رؤیای سکانس زیبای پایانی، یک مکان **آرمانشهری** است، آرمانشهری که در آن **نارواداران** حضور ندارند و در نتیجه رنج نمی‌بینند.

لامینور فیلمی درباره یک خانواده _ که نمادی از مردم ایران است _ با دو سبک زندگی **ناسازگار** است. پدر خانواده، یک فرش‌فروش ثروتمند، ضد موسیقی و ناروادار با رسانه‌های اجتماعی است و مادر خانواده با او همراهی می‌کند. **نادی**، دختر خانواده، و پدر بزرگش موسیقی را عاشقانه دوست دارند. پدر هر بار که متوجه عشق دخترش به موسیقی می‌شود به شدت ناراحت و بارها دچار ناراحتی قلبی می‌شود. یک بار که پدر سرزده به خانه می‌رسد و شاهد نوازندگی دختر می‌شود تحمل از دست می‌دهد، فشار خوش بالا می‌رود، و انتخاب یک گزینه از دو گزینه را از دخترش می‌خواهد، یا موسیقی یا عاقبت می‌کنم. یا در یک گفت‌وگوی دیگر او موسیقی را همان گونه که دوست دارد معنی می‌کند، موسیقی یعنی جدایی. بی‌گمان، جدایی بسیار بهتر از رنج و عذاب پیوسته و بیماری قلبی است.

نادی تلاش می‌کند در غیاب پدر که به سفر رفته است برای پدر بزرگش جشن تولد برگزار کند، که نماد **رواداری** فرهنگی تاریخ گذشته، چه گذشته موسیقایی نزدیک، چه گذشته موسیقایی دور، یا نماد **نهاد دانشگاه**، و یا نماد **روشنفکری** است که به دلیل **اشتباهی** که در نشان دادن مسیر درست مرتکب شده است و معتقد است موجب گمراهی و خسارتی جبران‌ناپذیر شده است **سوگوار** و **سیاه‌پوش** است، و نمی‌تواند خودش را ببخشد. **نادی** به عنوان نماینده نسل جوان با این کار می‌خواهد تولدی دیگر را برای این گذشته روادارانه، برای روشنفکری، و برای نهاد دانشگاه بیافریند، و لباس سیاه را

از تن او به در آورد، و راهی برای حل مشکلات نسل جوان، همچون مشکلاتی که خودش با آنها رو در روست، گشوده شود.

حضور نیروی انتظامی، دم در، مدعوین را می‌هراساند، و به جز پلیس «**ارشاد**» تقریباً کسی به میهمانی نمی‌آید. صحنه‌های تکان‌دهنده فیلم کم نیست، خشونت پدر علیه دختر یا سکنه‌های پدر، اما هیچ کدام تکان‌دهنده‌تر و غم‌انگیزتر از لحظه‌ای نیست که پدر بزرگ در این مجلس میهمانی خود را به **نیروی انتظامی** _ که به دلیل مقابله با یک سبک زندگی ناسازگار با ایدئولوژی رسمی از وظیفه ذاتی‌اش دور افتاده است _ معرفی می‌کند: **استاد بازنشسته دانشگاه هستیم.**

پدر به طور غیرمنتظره سر می‌رسد، و از دیدن مجلس میهمانی بازهم دچار ناراحتی قلبی می‌شود، و همزمان طوفان در می‌گیرد و تدارکات جشن تولد را در هم می‌ریزد. طوفان در این سکانس بر ناشدنی بودن زندگی با دو سبک ناسازگار در یک مکان تأکیدی دیگر دارد.

در سکانس پایانی، **نادی** که از شکست جشن تولد به شدت غمگین است تصمیم می‌گیرد با گیتارش از خانه ناروادارانه پدری بیرون برود و در گوشه‌ای از یک پارک گیتار بنوازد، و جشن تولد پدر بزرگ را _ چه تخیلی باشد، چه واقعی _ در این **پارک اتوپایی** برگزار کند. رؤیای **نادی** تحقق می‌یابد و دعوت شدگان یکی‌یکی سر می‌رسند و جشن تولد پدر بزرگ را با شادی‌ای غیرقابل وصف در محیطی دور از نارواداران برگزار می‌کنند.

رواداری شدنی نیست، گفت‌وگو، نقد، و حتی خشونت راه حل خانواده نبوده است، اصلاً به دلیل ناسازگاری بودن سبک زندگی، چرا پدر خانواده بارها و بارها سکنه کند؟ چرا پدر بزرگ از رفتار پسرش غمگین باشد؟ چرا زندگی برای دختر عذاب باشد؟ و چرا نهاد دانشگاه (**بهشت‌سازان**) و نهاد فقاهت (**بهشت‌نران**) نتوانند آرمانشهرهای خودشان را مستقل از هم بسازند؟ یک نتیجه ضمنی و ساده‌شده از «**پارادوکس رواداری**» **کارل پوپر** آن است که **اجتماع رواداران و نارواداران ممکن نیست. جان رالز** فیلسوف برجسته دیگر معاصر نوعی مصالحه در **اجتماع رواداران و نارواداران** را راه حل می‌داند، که راه حلی احتمالی و شکننده است، مصالحه‌ای ناشدنی بین مشروعه‌خواهان و دموکراسی‌خواهان. فلسفه عصر **پیشا-شهر هوشمند** نمی‌تواند راهی جلوی پای **نادی** بگذارد.

راه حل رؤیایی و البته واقع‌گرایانه **استاد مهرجویی** برای پایان دادن به رنج‌هایی که پایان‌ناپذیر می‌نمایند، یک **جدایی اتوپایی** است _ که با فناوری امروز شدنی است. خوشبختانه، همچنان که در مقالات این شماره و شماره‌های گذشته **ماهنامه ریزپردازنده** آمده است فناوری‌های **شهر هوشمند، اینترنت چیزها، اینترنت آدم‌ها، اینترنت مکان‌ها، و افراز منصفانه**^۱ می‌توانند این رؤیا و این آرمانشهر را به واقعیت تبدیل کنند. □

¹ Internet of Things
² Internet of Humans
³ Internet of Places
⁴ fair division

تعریف شهر هوشمند

جهان‌دار هوشنگ با رأی و داد
نخستین یکی گوهر آمد به چنگ
سرمایه کرد آهن آب‌گون
چو بشناخت آهن‌گری پیشه کرد
چو این کرده شد چاره آب ساخت
به جوی و به رود آب‌ها راه کرد
چراگاه مردم بدان برافزود
به جای نیا تاج بر سر نهاد...
به آتش ز آهن جدا کرد سنگ
کز آن سنگ خارا کشیدش برون...
از آهن‌گری اره و تیشه کرد
ز دریای‌ها رودها بتاخت
به فرخندگی رنج کوتاه کرد
پراکند پس تخم و کشت و درود

جالب‌تر آن که امروزه بسیاری از صاحب‌نظران یکی از خصوصیات شهر هوشمند را مردم هوشمند ذکر می‌کنند. تحلیل فردوسی بزرگ از هدف فناوری و خانه‌سازی و شهرسازی نیز دقیق و استادانه است. خانه و روستا و شهر از ابتدا هوشمندانه برای کوتاه کردن رنج انسان ساخته شدند.

پیشتر در شماره ۲۸۴ گفتیم که با آن که بیش از یک دهه است که فناوری‌های شهر هوشمند به گونه‌ای گسترده رایج شده است هنوز تعریفی از شهر هوشمند که توافقی عمومی بر روی آن به وجود آمده باشد به دست نیامده است.

از همین روی، برای رسیدن به یک تعریف جامع برای آن شماره ماهنامه ریزپردازنده، چندین کتاب مطرح در زمینه شهر هوشمند را بررسی کردیم و ترجمه چکیده‌ای از آنها را در شماره‌های ۲۸۳ و ۲۸۴ آوردیم.

همان‌گونه که حدس می‌زدیم این کتاب‌ها نیز به عدم وجود یک تعریف جامع مورد توافق جهانی اذعان داشته‌اند و هر کدام چند تعریف مورد پسند خود را که از سوی صاحب‌نظران یا مؤسسات دخیل در

شاهنامه فردوسی هوشنگ را مبتکر یک‌جانشینی و شهرنشینی انسان معرفی می‌کند. او را کاشف آهن و ذوب فلزات می‌داند. حفر کانال آب برای کشاورزی و برای زندگی شهری بهره‌وری را افزون و رنج را کوتاه می‌کرد و بازهم فردوسی هوشنگ را مبتکر این نوع آب‌رسانی دانسته است.

همچنان که شاهنامه فردوسی آورده است هدف فناوری از دوران هوشنگ _ که از او به عنوان کاشف آتش و آهن و مخترع آهن‌گری و حفر کانال و سازنده خانه و به عنوان کسی که انسان را به یک‌جانشینی و کشاورزی و ساخت شهر تشویق کرده است یاد می‌کند _ تا امروز برای کوتاه کردن رنج بوده است. جالب آن که معنی هوشنگ آن‌چنان که فردوسی در شاهنامه آورده است به هوشمندی (هوش و فرهنگ) اشاره دارد، که برای ابداع روش‌های کوتاه کردن رنج انسان‌ها ضروری است:

گران‌مایه را نام هوشنگ بود تو گفتی همه هوش و فرهنگ بود

کمونیسم شهر هوشمند اشرافی

اما آنچه فردوسی بزرگ گفته است به لحاظ ریاضی قابل اندازه‌گیری است: **حد ریاضی** کوتاه کردن رنج در به‌دست آوردن منابع مورد نیازمان را می‌توان به صفر رسیدن رنج یا حذف رنج در نظر گرفت.

خوشبختانه، ما در ترکیب کمونیسم شهر هوشمند اشرافی _ که در شماره ۲۶۹ ماهنامه ریزپردازنده معرفی کردیم _ این مقصد و این حد را به صراحت بیان کرده‌ایم: کمونیسم اشرافی یا لاکچری، یعنی، برابری در حد لاکچری. چرا به این مقصد باید برسیم؟ پاسخ واضح است، می‌خواهیم به رنج‌های مان در به‌دست آوردن منابع مورد نیازمان پایان بدهیم و مطابق سبک زندگی مورد نظر خودمان زندگی کنیم. آیا می‌توانیم به این مقصد دست پیدا کنیم؟ پیشتر در شماره ۲۶۹ به این پرسش پاسخ داده‌ایم.

زیستن مطابق سبک زندگی دلخواه

به اجمال، انسان در طول تاریخ در پی کوتاه کردن رنج‌های خود برای تهیه منابع مورد نیازش و برای سبک زندگی مورد پسندش بوده است. اصلاً انسان به این دلیل هوشمند است که در پی کوتاه کردن رنج‌های خود است.

واضح است که این رنج‌ها زمانی پایان می‌یابد که نابرابری‌ها از بین برود و کیفیت زندگی همه انسان‌ها به حد اشرافیت در سبک زندگی مورد نظرشان برسد؛ انسان تا رسیدن به این هدف از تلاش باز نخواهد ایستاد. فناوری‌های دیجیتال نشان داده‌اند که اگر انسان‌ها همکاری کنند می‌توانند به این مقصد برسند. به این ترتیب، می‌توان گفت که شهر هوشمند در مسیر کاستن از رنج ساکنان شهر تا زمانی که بتواند به نابرابری‌ها پایان بدهد و زندگی اشرافی را مطابق سبک زندگی دلخواه ساکنانش برای همه ساکنان زمین در زمین یا حتی سایر کرات آسمانی فراهم کند حرکت خواهد کرد.

به این ترتیب، می‌توان ادعا کرد که تعریف ماهنامه ریزپردازنده از شهر هوشمند جامع‌ترین و کاربردی‌ترین تعریفی است که تا به حال ارائه شده

است. □

فناوری شهر هوشمند ارائه شده‌اند یا ترکیبی از آنها را مطرح کرده بودند.

اما در مجموع، بسیاری از صاحب‌نظران تعریف ساده‌ای از شهر هوشمند دارند: **شهر هوشمند شهری است که با فناوری می‌خواهد کیفیت زندگی را افزایش بدهد.** اگر فردوسی می‌خواست از زبان هوشنگ، پادشاه و نخستین مهندس شهرساز اسطوره‌ای، شهر هوشمند را تعریف کند شبیه به همین تعریف را ارائه می‌کرد: **شهر هوشمند شهری است که با فناوری می‌خواهد رنج انسان را کوتاه کند.**

بقیه صاحب‌نظران نیز تعریف پیچیده‌تر و جامع‌تری ارائه داده‌اند، و مواردی مانند توسعه اقتصادی هوشمند و پایدار، محیط هوشمند، حمل‌ونقل هوشمند، و حاکمیت هوشمند و مدل شهروند-حکمران را اضافه می‌کنند، اما تقریباً همگی به این که نتوانسته‌اند به یک تعریف واحد و جامع دست پیدا کنند متفق‌القول هستند.

مقصد نهایی هوشمندی

همه این تعریف‌ها از شهر هوشمند یک مشکل اساسی دارند که موجب می‌شود نتوانند به یک وحدت برسند و ابهامات را برطرف کنند: **مقصد نهایی هوشمندی** را نشان نمی‌دهند. مهم‌ترین پرسش این است: **کیفیت زندگی** تا چه اندازه‌ای افزایش پیدا کند؟ یکی از کتاب‌ها برای حل این مسئله از اصطلاح **شهر هوشمند انسانی‌تر و پایدارتر** بهره گرفته است، که بازهم نمی‌تواند نشان‌دهنده یک هدف دقیق باشد، مضاف بر این که گاهی صفت انسانی‌تر _ مثلاً رفاه بیشتر با ساخت پیست اسکی که بیشتر مورد استفاده اقشار مرفه است _ می‌تواند نابرابری‌ها را بیشتر کند:

«اشاره به شهر هوشمند انسانی‌تر و پایدارتر اهمیت دارد چون این خصوصیات یک فرایند دینامیک است و نه یک وضعیت استاتیک. شهرها باید دائم پیشرفت کنند و انسانی‌تر و پایدارتر شوند.»^۱

^۱ Costa, Eduardo., *Humane and Sustainable Smart Cities*. 2021 Academic Press.

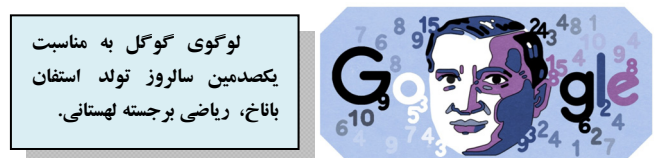
ای-دموکراسی و بازی افراز منصفانه در شهر هوشمند

از آن بهره‌ورتر در آفاق کیست

که در مُلک‌رانی به انصاف زیست

باب اول در عدل و تدبیر و رأی، بوستان سعدی

یکی از بازی‌های مشهور در نظریه بازی^۱، بازی تقسیم یا افراز منصفانه^۲ است. تقسیم منصفانه مسئله‌ای است که انسان از گذشته‌های بسیار دور با آن درگیر بوده است، حتی زمانی که انسان‌های نخستین تا ۱۲۰۰۰ سال پیش در گروه‌های حدوداً ۳۰ نفره با شکار و جمع‌آوری خوراک گیاهی روزگار خود را می‌گذراندند، مثلاً برای تقسیم منصفانه گوشت شکار. با این همه، ریاضی‌دانان لهستانی مانند هوگو استین‌هاوس^۳، برونیسلاو ناستر^۴، و استفان باناخ^۵ در اواخر جنگ جهانی دوم مطالعات آکادمیک این مسئله را آغاز کردند. چیزی نمی‌گذرد که مورد توجه اقتصاددانانی چون وینست کرافورد^۶ (نویسنده مقاله «بازی تقسیم منصفانه») و دانشمندان حوزه علوم سیاسی چون استیون برامز^۷ (که این نظریه را برای مسائل دموکراسی و رأی‌گیری و همچنین برای کارآمدسازی نتایج مذاکره گسترش می‌دهد) قرار می‌گیرد. بعدها توجه کامپیوتردانان به ویژه متخصصان و نظریه‌پردازان هوش مصنوعی را به خود جلب می‌کند. اخیراً در شهر هوشمند نیز کاربردهایی مهم برای تقسیم منابع محدود شهری پیدا کرده است.



تقسیم منصفانه در گذشته‌های دور

پژوهش‌گران این حوزه هنگامی که می‌خواهند خاستگاه‌ها و نخستین موارد ثبت‌شده انصاف، بی‌انصافی، و بازی تقسیم یا افراز منصفانه، و رشک‌ورزی (برای تقسیم رشک‌ناوردی) را ذکر کنند معمولاً به کتاب‌های مقدس کهن مانند تورات یا آثار تمدن‌های کهن مانند آثار یونان باستان

مراجعه می‌کنند. به عنوان مثال، حسادت قایل به هابیل و در نهایت قتل هابیل به عنوان نخستین بی‌انصافی و اقدام حسادت‌آمیز ثبت‌شده مورد توجه آنهاست.

اما یکی از مشهورترین بازی‌های کهن و موفقیت‌آمیز از بازی‌های تقسیم منصفانه را که یهودیان به حضرت سلیمان (ع) و مسلمانان به حضرت علی (ع) منتسب کرده‌اند داوری درباره دو زنی است که ادعای ناشدنی مادری یک کودک را دارند. واضح است که روایت منسوب به حضرت علی (ع) - که ظاهراً دومین تکرار تاریخی چنین رویدادی باید باشد - برای‌مان آشناتر است، پس در این مقاله به آن استناد می‌کنیم، با این توضیح که نگاه ما نگاهی سکولار و فیزیکی است و پرداختن به عوامل متافیزیکی این داستان خارج از عهده این مقاله و بر عهده علمای دین است.

داستان از این قرار است که حضرت علی (ع) پس از شنیدن ادعای دو مادر در محکمه که هر دو یک نوزاد را فرزند خود می‌دانستند، راه حل را در طراحی و برگزاری یک بازی می‌بیند تا بازیگران آن، یعنی دو مادر، به قصد برنده‌شدن در بازی، یکی از راه‌های پیش روی‌شان را انتخاب کنند. حضرت علی (ع) در برابر این دو مادر به گونه‌ای کاملاً جدی حکم به دونیم کردن کودک می‌دهد، و دستور می‌دهد که شمشیر بیاورند. تقسیمی که به لحاظ فیزیکی منصفانه است، اما واضح است که چون کودک داستان‌مان یک انسان جاندار است تقسیم‌ناپذیر محسوب می‌شود. اما حضرت علی (ع) به گونه‌ای رفتار می‌کند که دو بازیگر این بازی فکر و احساس کنند که دو انتخاب پیش رو دارند: یا به تقسیم فیزیکی کودک تن بدهند، که ناشدنی است، و یا یکی - که مادر واقعی باید باشد - برای منافعتش به نفع دیگری کنار برود. همین هم می‌شود و مادر واقعی طفل که منفعتش در زنده ماندن فرزندش است، بلافاصله می‌گوید که نیمه مربوط به خود را به زن دیگر که شیا دانه در پی تصاحب کودک بوده است بخشیده است، که در پی آن، حضرت علی (ع) حکم به سپردن طفل به مادر واقعی می‌دهد.

تقسیم منصفانه و تقسیم رشک‌ناوردی چیست؟

نظر به این که تقسیم منصفانه می‌تواند همچون یک بازی انجام بگیرد که دو یا چند بازیگر و یک رشته قواعد ویژه دارد، یکی از موضوعات مورد توجه نظریه بازی است. انصاف یعنی به هر بازیگر یک سهم منصفانه برسد. هنگامی که یک چیز یا مجموعه‌ای از چیزها را بین دو یا چند نفر تقسیم کنیم به گونه‌ای که همگی احساس کنند که سهم منصفانه‌ای به دست آورده‌اند تقسیم منصفانه انجام شده است، و اگر تقسیم به گونه‌ای انجام شود که

^۱ game theory

^۲ fair division

^۳ Hugo Steinhaus

^۴ Bronislaw Knaster

^۵ Stefan Banach

^۶ Vincent Crawford

^۷ Steven J. Brams

هیچ کس به سهمی که به بقیه رسیده است حسد و رشک نرزد، یک تقسیم رشک‌ناوردنی^۸ انجام شده است.

از دهه ۱۹۴۰، یعنی از حدود ۸۰ سال پیش، این مسئله مورد توجه ریاضی‌دانان قرار گرفت و برای انواع مختلفی از مسائل تقسیم منصفانه الگوریتم‌های کارآمدی ابداع گردید، و همچنان مورد توجه پژوهشگران رشته‌های مختلف علمی است. کاربردهای تقسیم منصفانه متنوع است: تعیین خطوط مرزی در مناقشه‌های بین‌المللی، تخصیص منصفانه منابع کامپیوتری (مانند CPU، پهنای باند، و حافظه) میان کاربران مختلف یک کامپیوتر چندکاربره، تخصیص منابع و تسهیم هزینه‌ها در شبکه‌های کامپیوتری، کاستن از میزان گازهای گلخانه‌ای در سطح جهانی، یا تقسیم ارثیه. ورود کلان‌داده‌ها^۹ و هوش مصنوعی به این حوزه نوید تحولات بیشتری را به ویژه برای تقسیم منصفانه برخط^{۱۰} و تقسیم منصفانه در زمان واقعی^{۱۱}، مانند ترافیک شبکه‌های کامپیوتری یا ترافیک عبور و مرور شهری فراهم کرده است.

ملک‌رانی به انصاف

همان‌گونه که در ابتدای این مقاله آمد، سعدی، حکیم برجسته سخن، با دقتی کم‌نظیر فقط در یک بیت شعر _ که یک شاهد هنرش در پدیدآوردن سهل‌ممتنع است _ کارآمدی یک نظام حکمرانی را در انصاف می‌بیند، که یک آرزوی انسان‌هاست. این بیت شعر در زیر دوباره آمده است:

از آن بهره‌ورتر در آفاق کیست

که در ملک‌رانی به انصاف زیست

از سوی دیگر، انصاف را می‌توان بنیاد قاعده طلایی^{۱۲} (آنچه بر خود نمی‌پسندی بر دیگران مپسند) در نظر گرفت. بازم شاعر بزرگ‌مان سعدی این قاعده طلایی را به نیکی بیان کرده است:

چیست دانی سرّ دین‌داری و دانشمندی

آن روا دار که گر بر تو رود پسندی

مصراع دوم همان قاعده طلایی است که استاد سخن، سعدی بزرگ به درستی می‌گوید که هم سرّ دین است و هم سرّ دانش. انصاف همین است.

قاعده مشهور تقسیم منصفانه یک کیک، «تو بُرش کن، من انتخاب»، به همین معنی است: همان را برای خودت بخواه که برای من می‌خواهی. از سوی دیگر، سعدی بزرگ چند بیت پیش از بیت «از آن بهره‌ورتر در آفاق...» که در بالا آمد و درباره ملک‌رانی عادلانه است بیت زیر را آورده است که به خوبی قاعده طلایی را در ملک‌رانی تداعی می‌کند:

گزندِ کسانش نیاید پسند

که ترسد که در ملکش آید گزند

شهر هوشمند اگر بر بنیاد برآورده‌سازی آرزوهای جامعه طراحی شود به خرسندی و خشنودی شهروندان می‌انجامد. این آرزوها را می‌توانیم در آثار حکمای بزرگ‌مان، همچون استاد سخن، سعدی بزرگ بیابیم.

بنابراین، برای این که شهر هوشمندی که طراحی می‌کنیم ملک‌رانی به انصاف را پیاده کند و همه شهروندان را _ از هر دین و آیینی که باشند _ خرسند کند، همان‌گونه که پادشاه سخن، سعدی سروده است باید با قاعده طلایی سازگاری داشته باشد. الگوریتم‌ها و شیوه‌نامه‌های تقسیم منصفانه که در ۸۰ سال اخیر پیشرفت‌های خوبی داشته‌اند ابزارهای کارآمد پیاده‌کردن ملک‌رانی به انصاف در شهر هوشمند هستند.

دموکراسی و سکولاریسم یا گیتی‌انگی در دوران مدرن

از زمانی که انسان شهرنشینی را اختیار کرد ملک‌رانی به انصاف همواره یکی از آرزوهایش بوده است. دموکراسی یونان باستان یک تحول بود، که در آن پیشرفت‌ها در ریاضیات و به ویژه هندسه برای تقسیم منصفانه کالاها و زمین نقش بزرگی بازی کرد. پیشرفت‌ها در دانش ریاضیات همواره به انصاف بیشتر انجامیده است. دستگاه عددنویسی دهدهی دارای عدد صفر که با ترجمه کتاب خوارزمی در اروپا مطرح شد ریاضیات را متحول کرد و علم آمار و نظریه احتمالات زاده شد، علمی که به انسان نشان داد که آینده را می‌تواند از تصرف خدایان و جادوگران خارج کند و تسلیم سرنوشتی نباشد که پادشاهان به نام خدایان بر مردم تحمیل می‌کردند.

پیتر برنشتاین (1919-2009)، اقتصاددان و مورخ اقتصاد، در کتاب خود به نام «علیه خدایان: داستان شگفت‌انگیز ریسک»^{۱۳} در این باره چنین آورده است:

¹³ Bernstein. Peter L. *Against The Gods: The remarkable Story of Risk*. 1998 John Wiley & Sons.
(برای اطلاعات بیشتر به شماره ۲۷۹ ماهنامه ریزپردازنده مراجعه کنید.)

⁸ envy-free division

⁹ big data

¹⁰ online fair-division

¹¹ real time fair-division

¹² Golden Rule

«در سال ۱۶۵۴، زمانی که رنسانس در شکوفایی بود، تقسیم منصفانه استیک‌های یک بازی ناتمام معمایی بود که ریاضی‌دانان را دوست سال مهوت کرده بود، بلز پاسکال برای حل این معما از پیر دو فرما^{۱۴} کمک خواست، یک وکیل که یک ریاضی‌دان نابغه هم بود. نتیجه همکاری این دو ریاضی‌دان برجسته جهان انفجاری از روشنگری بود. حل معمای این بازی به کشف بزرگ نظریه احتمالات انجامید، قلب ریاضی مفهوم ریسک.»^{۱۵}

نظریه انقلابی‌ای که مرز بین دوران مدرن و گذشته را تعریف می‌کند کنترل ریسک است: این نظر که آینده فراتر از وسوسه‌های خدایان است و مردان و زنان در برابر طبیعت منفعل نیستند. تا هنگامی که انسان روشی را برای راه یافتن به طرف دیگر این مرز کشف نکرده بود، آینده قلمروی تاریک پیش‌گویان و غیب‌گویانی بود که بر دانش رویدادهای پیش‌بینی‌شده انحصار پیدا کرده بودند.»^{۱۶}

به این ترتیب، کشف نظریه احتمالات سرآغاز دوران مدرن شد و تحول بزرگی در نگرش انسان به جهان پدید آورد. طبیعی است که انسان هنگامی که به این نتیجه برسد که خودش می‌تواند در قلمروی آینده با نظریه احتمالات گام بردارد، از یک سو، نسبت به ادعاهای پادشاهان خودکامه که سلطنت خود را موهبتی الهی می‌خواندند تردید می‌کند و به این نتیجه می‌رسد که منصفانه‌تر این است که مردم باید خودشان حاکمان را انتخاب کنند، و حکومت موهبتی الهی برای خانواده، طبقه، یا صنفی خاص نیست و امکان مُلک‌رانی به انصاف و بدون تبعیض برای همه باید وجود داشته باشد. به بیان دیگر، ویژگی «آن روا دار که گر بر تو رود پسندی» حاکم شود، اگر حاکم شدن را برای خودت می‌پسندی، برای دیگران از هر دین و آیینی که باشند نیز پسند. آنارشیسیم، نمونه آرمانی مُلک‌رانی به انصاف است که بعداً در همین مقاله به آن خواهیم پرداخت.

از سوی دیگر، سکولاریسم یا گیتی‌نگی یا جدایی حکومت از دین نیز یک پیامد دیگر کشف نظریه احتمالات بوده است که انسان را به جای اتکا به کلیسا و متن مقدس و قناعت به بهشت آن‌جهانی به ساختن سرنوشت خود در این جهان بر بنیاد علم و فناوری ترغیب می‌کرد.

شهر هوشمند این پتانسیل را دارد که با افراز منصفانه به یک اختلاف قدیمی میان مشروعه‌خواهان و مشروطه‌خواهان در کشور عزیزمان ایران که نظام دیوانی کشور را ناکارآمد کرده است خاتمه

ماتریس نتیجه بازی دو مادر

		زن شیاد	
		اعتراض به حکم	عدم اعتراض به حکم
مادر واقعی	اعتراض به حکم	زنده ماندن احتمالی نوزاد؛ زن شیاد برنده چاپلوسی و تظاهر به حرف‌شنوی از حضرت علی (ع)	زنده ماندن قطعی نوزاد
	عدم اعتراض به حکم	زنده ماندن احتمالی نوزاد؛ زن شیاد بازنده چاپلوسی و تظاهر به حرف‌شنوی از حضرت علی (ع)	کشته شدن قطعی نوزاد

از نگاه نظریه بازی، ماتریس نتیجه بازی‌ای که بین دو زن مدعی مادری یک نوزاد که به حکم دونیم کردن این نوزاد توسط حضرت علی (ع) واکتش نشان می‌دهند به شکل جدول بالاست. این جدول شکل طبیعی انتخاب‌های پیش روی بازیگران (یا شکل راهبردی بازی) را نشان می‌دهد. نظر به این که فرض بر این است که انتخاب‌های راهبردی بازیگران همزمان باشد، این جدول آنچه را در عمل روی داده است نشان نمی‌دهد. در بازی واقعی، مادر واقعی بلافاصله می‌پذیرد که نوزاد متعلق به او نیست، و یا نیم‌سهم خود از نوزاد را به زن شیاد می‌بخشد. واضح است که حضرت علی (ع) نگاهی کاملاً متفاوت دارد، اما بازیگر نیست. او بازی بزرگ‌تر را با خواندن راهبردهای انتخابی دو بازیگر در بازی‌ای که خود طراحی کرده است انجام می‌دهد. دانایی در داوری (wise arbitration) بنیاد این طراحی است تا حقیقت روشن شود. داور در اینجا قواعد بازی را طوری طراحی کرده است که اجرای بازی دروغ‌گو را آشکار کند. حضور «دانایی» در این داوری به این دلیل است که بازیگران راست‌گو را از بازیگران دروغ‌گو متمایز می‌کند. فرض این جدول بر این است که هدف مادر واقعی نجات فرزند و هدف زن شیاد چاپلوسی و تظاهر به حرف‌شنوی از حضرت علی (ع) است. برای مادر واقعی، اعتراض هر دو زن به حکم، بهترین نتیجه است، چون قطعاً نوزاد زنده می‌ماند. اگر فقط مادر واقعی اعتراض کند، نوزاد احتمالاً زنده خواهد ماند، در نتیجه بهترین نتیجه بعدی برای مادر واقعی است. □

منبع: جدول و تحلیل [یادآوری: به جای نام حضرت سلیمان (ع) نام حضرت علی (ع) آمده است، به متن اصلی این مقاله مراجعه کنید]:

Brams, Steven J., *Negotiation Games: Applying Game Theory to Bargaining and Arbitration*. Routledge, London 2003.

¹⁴ Pierre de Fermat

¹⁵ Bernstein, *Against The Gods*, p.23.

¹⁶ Bernstein, *Against The Gods*, p.1.

بُرش کیک و

رفرمیسیم دانش-محور

رفرمیسیم در ایران همواره با بن‌بست روبه‌رو بوده است. خیزش‌های بزرگی چون انقلاب مشروطیت یا انقلاب سال ۱۳۵۷ نیز نتیجه‌ای که هر دو گروه فعال سیاسی، یعنی هم **مشروعخواهان** و هم **مشروطهخواهان** را راضی کند در بر نداشته است. دموکراسی در ایران شدنی نبوده است، چون رأی اکثریت نمی‌توانسته است که قانون مورد پذیرش همه مردم را که **ژان ژاک روسو** آن را **اراده عمومی** نامیده است پدید بیاورد.

آنارشسیم یا **همه‌دولتی** (مثلاً با دو قانون متفاوت برای دو گروه ناسازگار) تنها راه حل است. اما **آنارشسیم** با امکانات پیشا-اینترنت و پیشا-شهرهوشمند شدن نبوده است. جامعه آرمانی آینده که نقائص دموکراسی را ندارد یک جامعه **آنارشستی** خواهد بود. با **آنارشسیم** با امکانات محدودتر امروز می‌توانیم جامعه آرمانی آینده را با امکانات گسترده‌تر تجربه کنیم.

بخشی از ابزارهای رسیدن به جامعه **آنارشستی** را در **نظریه بازی** و بخشی دیگر را در **فناوری‌های گوناگون دیجیتال** می‌توان یافت. **تقسیم منصفانه** و **رأی‌گیری** از مباحثی در **نظریه بازی** هستند که ریاضی‌دانان و کامپیوتردانان تلاش‌های فراوانی انجام می‌دهند که بتوانند با یافتن **شیوه‌نامه‌های مناسب** برای **تقسیم** و **رأی‌گیری**، راهبردهای منصفانه را برای شرکت‌کنندگان در این بازی‌ها فراهم کنند.

برای مُلک‌رانی به انصاف

برای رسیدن به جامعه **آنارشستی**، به **طراحی بازی** و **شیوه‌نامه‌های افراز منصفانه** نیاز داریم، که به **دانایی** و به همکاری مشترک ریاضی‌دانان، کامپیوتردانان، اقتصاددانان، ... و کنش‌گران سیاسی نیاز دارد. **کیک رفرمیسیم** در ایران به یک بُرش منصفانه نیاز دارد. تا زمانی که هر دو گروه **کل کیک** یا سهم نامنصفانه‌ای از کیک را بخواهند، با بن‌بست روبه‌رو خواهیم بود. □

بدهد و رنج‌های ناشی از این اختلاف را به صفر نزدیک کند. با آن که نظرات و اندیشه‌های اندیشمندان و دانشمندان غرب در دنیای مسیحیت توانسته‌اند رنسانس و حکومت‌های **دموکراسی سکولار** را _ که نشان داده‌اند که حکومت‌هایی کارآمد هستند _ پدید بیاورند، با وجود ترجمه کتاب‌ها و مقاله‌های این اندیشمندان به زبان فارسی از مدت‌ها پیش، و آشنایی بسیاری از مردم کشورمان با آنها، اختلافات و ناسازگاری‌های میان **مشروعخواهان** و **مشروطهخواهان** همچنان پابرجا مانده است و آن اندیشه‌ها نتوانسته‌اند به **ملک‌رانی** به **انصاف** و به حکومتی کارآمد مانند یک **دموکراسی سکولار** _ که کارآمدی خود را در کشورهای غربی نشان داده است _ در کشورمان و بسیاری از کشورهای با فرهنگ مشابه بینجامند. ابزارهای شهرهوشمند توانمندی کافی برای حل کردن چنین مسئله‌ای را دارند. □

بُرش کیک: یکی تقسیم کند، دیگری انتخاب

در کتاب «**تبارنامه خدایان**» (Theogony) نوشته شاعر مشهور یونانی، **هزیود** (Hesiod) که حدود ۲۸۰۰ سال پیش نوشته شده است آمده است که خدایان یونانی، **پرومته** و **ژئوس**، باید گوشت یک گاو را تقسیم می‌کردند. **پرومته** گوشت را دو دسته کرد، و **ژئوس** یکی را انتخاب کرد. این داستان یک نمونه استاندارد از **تقسیم منصفانه** است که ریاضی‌دانان برای آن تلاش‌های فوق‌العاده زیادی را انجام داده‌اند، اما به جای گوشت، یک **کیک** را تقسیم کرده‌اند که به **بُرش کیک** (cake-cutting) شهرت یافته است. مسئله **بُرش کیک** از دهه ۱۹۴۰ با کارهای ریاضی‌دانان لهستانی با پیشگامی **هوگو استین‌هاوس** (Hugo Steinhaus) آغاز شده است. **استین‌هاوس** برای نخستین بار روی امکان به‌کارگیری روش «یکی تقسیم کند، دیگری انتخاب» برای سه بازیگر و بیشتر کار کرد. □

دو دیدگاه معماری شهرهای هوشمند آینده

این مقاله بخشی از مقاله‌ای با همین عنوان در شماره ۲۷۰ ماهنامه ریزپردازنده است. به دلیل موضوعی که سلسله مقالات «اینترنت آدم‌ها» در این شماره داشته است مجدداً در این شماره تکرار شده است.

محاسبه‌پذیری و رایانش‌پذیری در بهشت‌سازی یک اصل بنیادی است که آن را با دیدگاه دوم متفاوت می‌سازد. بهشت‌سازان امور دیوانی را رایانش‌پذیر می‌دانند و به دیوان هوشمند می‌سپارند، هر چند، همچنان که در بخش «نظام مشروطه AI-Democracy» در شماره ۲۶۵ ماهنامه ریزپردازنده گفته شد «ورود فناوری هوش مصنوعی به بخش دیوانی حکومت به دلیل هزینه‌های پایین و کارآمدی و سرعت بالا امری محتوم و گریزناپذیر است... مردم اجرای بخش بزرگی از امور خود را به صورت مشروط به سیستم هوش مصنوعی ای خواهند سپرد که استدلال‌های پشت تصمیم‌گیری‌هایش را نیز ارائه می‌دهد، تا استبداد هوش مصنوعی به وجود نیاید.» در مجموع، یک اصل مهم در شهر هوشمند بهشت‌سازان حفاظت از خلاقیت انسان است.

دیدگاه دوم رسیدن به یک آرمانشهر ایدئولوژیک را از طریق ارزش‌های ایدئولوژیک میسر می‌داند. برای این که نگاهی بومی به شهر هوشمند آینده داشته باشیم مثال‌های این دیدگاه دوم را محدود می‌کنیم به یکی از دیدگاه‌های پرتطرفدار که آن را دیدگاه بهشت‌بران می‌نامیم، هر چند، آن را می‌توان دیدگاه دورسازندگان از دوزخ یا دیدگاه تکلیف‌مداران نیز نامید، چون هدف همگی در نهایت یکی است. بهشت‌بران یا دوزخ‌دورسازان هدف یا تکلیف حکومت را دورساختن مردم از دوزخ آسمانی و بردن مردم به بهشت آسمانی با یک سبک زندگی ویژه، یعنی از طریق اجرای احکام دینی یا ارزش‌های ایدئولوژیک می‌پندارند و برای تحقق‌بخشیدن به این کار استفاده گسترده از دورسنج‌ها و ابزارهای اینترنت آدم‌ها را مفید می‌دانند. با وجود این، مطابق این نظریه این پروردگار حساب‌گر است که در نهایت داوری و حساب‌گری خواهد کرد و نه انسان. حساب‌گری نیز برای امور محاسبه‌پذیر و رایانش‌پذیر است و نه امور محاسبه‌ناپذیر و رایانش‌ناپذیر. غفلت از این اصل می‌تواند بهشت‌بران را در طراحی شهر هوشمند مورد نظرشان دچار مشکل کند.

دیدگاه بهشت‌بری طیف وسیعی را شامل می‌شود، اما روش افراطی کنترل هرچه بیشتر مردم و حریم خصوصی آنها برای رسیدن به هدف حامیان جدی‌تری دارد.

دانش و فناوری برای نخستین بار در تاریخ بخشی از امکانات مورد نیاز هر دو دیدگاه را برای رسیدن به اهداف‌شان فراهم کرده است و بخش‌های دیگر را در آینده‌ای نه‌چندان دور فراهم خواهد کرد. از این روی، ضروری است که از هم‌اکنون این فناوری‌ها و دیدگاه‌ها برای هموارتر کردن مسیر آینده مورد تعمق قرار بگیرند.

شهر هوشمند آینده با توجه به امکانات پایشی فراوانی که خواهد داشت اگر جایی برای حریم خصوصی انسان باقی نگذارد می‌تواند در سطوح خلاقیت انسان‌ها تأثیری منفی داشته باشد. طراحی شهر هوشمند به گونه‌ای که خلاقیت انسان در آن نه تنها دچار افت نشود بلکه به کمک هوش مصنوعی افزون‌تر و تقویت شود موضوع مورد بحث این مقاله است. برای این منظور دو دیدگاه معماری شهر هوشمند را بررسی خواهیم کرد.

همچنان که در مقاله‌های پیشین گفته‌ایم پیشرفت پرشتاب فناوری‌های دیجیتال در آینده از یک سو سبب بروز بیکاری گسترده خواهد شد، و از سوی دیگر، به تدریج ممکن است خیل داوطلبان و بیکاران را جذب پروژه‌های تولیدی بدون سود از طریق «همکاری باز» کند و راه حل جدیدی را به جای کاپیتالیسم پدید بیاورد. اقتصاد بازار آزاد با کاهش سود به تدریج کم‌رنگ خواهد شد.

در چنین وضعیتی، یعنی با حذف تدریجی کاپیتالیسم، برای این که بتوانیم برای طراحی شهر هوشمند آینده با دقت بیشتری گام برداریم دو دیدگاه را بررسی خواهیم کرد که ممکن است در آینده مطرح‌تر از سایر دیدگاه‌ها باشند: یکی بر بنیاد دانش و فناوری برای ساخت ابزارهای تولید از طریق همکاری باز و بناساختن شهر هوشمندی که از منابع انرژی پاک و تجدیدپذیر بهره می‌گیرد و وضعیت آبرافروانی^۱ یا پسا-کمبود^۲ را پدید می‌آورد؛ دیگری بر بنیاد ایدئولوژی‌های مختلف برای رسیدن به یک آرمانشهر با روش‌های ایدئولوژیک.

این دو دیدگاه از لحاظ روش و هدف روی معماری شهرهای هوشمند آینده اثرگذار هستند. اولی را دیدگاه بهشت‌سازان می‌نامیم که هدف شهر هوشمند را بهشت‌سازی بر روی زمین با دانش و فناوری می‌داند. فن-آرمانشهری^۳ که بر بنیاد دانش و فناوری و بر بنیاد عدد، سنج، و حساب ساخته می‌شود واقعی و غیرتخیلی است.

^۱ superabundance

^۲ post-scarcity

^۳ techno-utopia

■ شهر هوشمند بهشت سازان

«کمونیسم شهر هوشمند اشرافی» در شماره ۲۶۹ ماهنامه ریزپردازنده روش رسیدن به وضعیت آتروفرآوانی کالاها یا عصر پسا-کمبود و زندگی اشرافی با استانداردهای امروز برای همه مردم را شرح داد و نشان داد که این دانش و فناوری است که می‌تواند با پشتکار و تلاش فراوان دانشمندان و مهندسان و همچنین با «همکاری باز»، بهشت زمینی «کمونیسم شهر هوشمند اشرافی» را بسازد و عدالت دیوانی را با دیوان هوشمند فراهم کند و فقر را از بین ببرد و عدالت اقتصادی را پدید بیاورد.

به عنوان یک نمونه از زندگی اشرافی، دانش و فناوری این توان را دارد که برای همه مردم همچون ثروتمندان پیش خدمت و راننده فراهم کند، البته از نوع روباتی؛ با خودران‌هایی که تصادفات رانندگی را به صفر می‌رسانند و مسئله مصدومان و کشته‌های حوادث رانندگی را که در حال حاضر یک مشکل بزرگ انسان است حل می‌کنند.

پرونده‌های الکترونیک

نظر به این که بهشت سازان شهر هوشمند اشرافی مهم‌ترین عامل ساخت یک بهشت زمینی را همکاری باز و آزاد می‌دانند ناچارند با پایش‌هایی مخالف باشند که بخواهند با زیست‌سنجی و ابزارهای اینترنت چیزها و اینترنت آدم‌ها و تحلیل کلان‌داده‌ها، همکاری باز را محدود کنند، زیرا همکاری باز – همچنان که از نامش پیداست – نشان داده است که برای کارآمدی و برای خلاقیت به یک محیط باز و آزاد نیاز دارد. بعضی از پایش‌ها می‌توانند به تشکیل پرونده‌های الکترونیک ویژه برای شهروندان و توزیع منابع بر اساس این پرونده‌ها بینجامند که پیامد آن در جامعه کاهش سطح خلاقیت و نابرابری اقتصادی خواهد بود. برای حفاظت از خلاقیت در شهر هوشمند اشرافی چنین پرونده‌هایی ساخته نمی‌شود.

به بیان دیگر، بهشت سازان چون به رفاه و آرامش مردم می‌اندیشند تا جای ممکن تلاش می‌کنند که از حریم خصوصی شهروندان شهر هوشمند محافظت شود و «خود» انسان با دورسنگ‌ها و ابزارهای اینترنت آدم‌ها و کلان‌داده‌ها به تباهی کشیده نشود و خلاقیت آدمی شکوفاتر از هر زمان دیگری در طول تاریخ شود. بهشت سازان برای این که در شهر هوشمندی که اینترنت کل چیزها^۴ در آن حاکم است انسان به دورویی، مرگ اجتماعی،

نظر به این که ابزارهای پایش اینترنتی برای پایش اجرای احکام دینی و ارزش‌های ایدئولوژیک در ادیان و ایدئولوژی‌های مختلف در کشورهای گوناگون جهان توانمندی‌های قدرتمندی دارند و احتمال استفاده از آنها در کشورهای مختلف به این منظور وجود دارد، نظریه بهشت‌بری یکی از بحث‌های مهم اینترنت آدم‌ها در آینده خواهد بود. در این مقاله، برای روشن‌تر شدن این مبحث از مثال‌هایی بیشتر بهره گرفته‌ایم که در کشور خودمان روی می‌دهد و یا ممکن است در آینده روی بدهد.

یادآوری: واژه «کمونیسم» در عبارت «کمونیسم شهر هوشمند

اشرافی» که در این سلسله از مقالات به کار گرفته شده است با واژه «کمونیسم» مورد استفاده مارکسیست‌ها از لحاظ روش پیاده‌سازی تفاوت دارد. عمومی شدن مالکیت ابزارهای تولید برای پیاده‌سازی «کمونیسم شهر هوشمند اشرافی» به جای نزاع میان طبقه پرولتاریا و طبقه بورژوازی یا تحقق دیکتاتوری پرولتاریا با انقلاب کارگری در روش مارکسیستی از طریق همکاری باز (open collaboration) انجام می‌گیرد. همکاری باز یا نابسته به این معنی است که هر کسی که داوطلبانه بخواهد به گروه همکار و هم‌فکر بپیوندد آزاد است. همکاری باز این امکان را برای مردم جهان فراهم می‌سازد که خودشان ابزارهای تولید را با دسترنج خودشان بسازند، بی‌آن که به مصادره غیرقانونی، غیراخلاقی، و غیردینی اموال دیگران نیاز باشد. پیاده‌سازی کمونیسم با این روش هیچ تخلفی با دین‌داری و خدا‌باوری مردم ندارد، زیرا به نزاع یا تضاد طبقه کارگر و طبقه بورژوازی نیاز ندارد که ریشه‌های دین‌ستیزی مارکسیست‌ها در آن بوده است. این روش صرفاً یک روش تولید بدون سود مبتنی بر خلاقیت جمعی است. یعنی با روش سودآوری تولید در نظام سرمایه‌داری متفاوت است. انسان در کمونیسم کلاسیک یک ماشین همچون سایر ماشین‌های طبیعت است. حال آن که در کمونیسم شهر هوشمند اشرافی انسان یک ماشین خلاق است. خلاقیت به حفاظت نیاز دارد و برای حفاظت از آن نمی‌توان باورهای مردم را – مثلاً باورهای مذهبی مردم را آن‌گونه که در کشورهای بلوک شرق سابق سرکوب می‌کردند – سرکوب کرد. از همین روی، رعایت قوانین حقوق بشری در شهر هوشمند اشرافی ضروری است. همکاری باز را حتی می‌توان یک توصیه دینی دانست که سعدی شاعر توانا به زیبایی آن را بیان کرده است: عبادت به جز خدمت خلق نیست. □

^۴ Internet of Everything (IoE)

■ شهر هوشمند بهشت‌بران یا دوزخ‌دورسازان

فناوری‌های شهر هوشمند، مانند ابزارهای پایش دیجیتال و اینترنت آدم‌ها یا ابزارهای دورسنجی، مورد توجه بهشت‌بران نیز قرار گرفته است. بهشت‌بران باورمندان به خوانش ویژه‌ای از دین هستند که هدف‌شان برای سعادت و رستگاری انسان، رفتن مردم به بهشت آسمانی از طریق اجرای احکام دینی یا ارزش‌های ایدئولوژیک است، اما گاه برای رسیدن به این هدف اجرای اجباری و همراه با وسواس شدید پاره‌ای از احکام دینی یا ارزش‌های ایدئولوژیک را طلب می‌کنند، بی‌آن‌که وزن درست و واقعی هر یک از آنها محاسبه شده باشد.

از سوی دیگر، تا به حال به جز مواردی مانند حجاب یا روزه‌خواری، آن هم به صورت محدود و از طریق مجریان قانون، امکاناتی برای وادار کردن همه مردم به اجرای سایر تکالیف ظاهری دینی وجود نداشته است. ورود ابزارهای جدیدی مانند فناوری بازشناسی چهره^۸ افزون بر آن که می‌تواند امکانات جدیدی را برای مقابله با کم‌حجابی و بی‌حجابی فراهم کند می‌تواند برای تشویق یا اجبار به اجرای احکام دیگر — که تا به حال ممکن نبوده است — مانند برگزاری نماز اول وقت در مساجد نیز به کار گرفته شود. این امکان وجود خواهد داشت که در پرونده الکترونیک کسانی که چنین احکامی را اجرا نمی‌کنند نمره یا امتیاز منفی داده شود و اولویت در تخصیص منابع دولتی یا عمومی به دارندگان حساب‌های مثبت منظور گردد، که می‌تواند به پدیده‌هایی مانند تظاهر در جامعه، سبک زندگی ملامتیه، و حتی بهشت‌گریزی و بهشت‌فروشی نیز بینجامد. در چنین وضعیتی، احتمالاً استفاده از ابزارهای ضدپایش مانند ابزارهای ارسال پارازیت برای دوربین‌های پایش‌گر یا چسباندن ماسک‌های ضدشناسایی بر روی چهره به منظور پایش‌گریزی رونق خواهد گرفت.

ابزارهای دورسنج و ابزارهای پایش شبکه‌ای، مانند دوربین‌های شبکه‌ای ایستگاهی، دوربین‌های نصب‌شده در پهپادها، یا دوربین‌های نصب‌شده در عینک‌های هوشمند می‌توانند بسیاری از نقاط شهرها، روستاها، جاده‌ها، و حتی دریاچه‌ها را تحت پوشش بگیرند و پایش گسترده ارزش‌های ایدئولوژیک یا اعمال و تکالیف دینی مردم را ممکن بسازند. پهپادها می‌توانند نقاطی را که دسترسی به آنها دشوار است مانند دریاچه‌ها، کوه‌ها، و پشت‌بام‌ها (که احتمال دارد از روی احتیاط حریم غیرخصوصی و «انظار عمومی» تلقی شود) تحت

پوچ‌گرایی، و یا سبک زندگی ملامتیه^۹ گرفتار نگردد، اختیار را اصل قرار می‌دهند تا اجبار. از همین روی، پرونده‌های الکترونیک طبقه‌بندی‌کننده شهروندان در شهر هوشمند بهشت‌سازان جایی ندارد.

از سوی دیگر، بهشت‌سازان، یعنی دانشمندان، مهندسان، و طراحان شهر هوشمند، با پدیدآوردن آبرفراوانی کالاها سطح جرائمی مانند دزدی و کلاهبرداری را به سمت صفر می‌برند و زندان‌ها را بی‌مشری می‌سازند، و به این ترتیب، در عمل درب‌های دوزخ را می‌بندند. هدف بهشت‌سازان رسیدن به عصر پسا-کمبود است.

لاکچری برای همه

در مجموع، شهر هوشمند اشرافی با هدف «اشرافیت برای همه» (یا «لاکچری برای همه»^{۱۰}) بنا دارد بهشت زمینی را برای همگان برپا کند. هدف بهشت‌سازان ایجاد عدالت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، و دیوانی است. فناوری دیجیتال و هوش مصنوعی نشان داده است که پتانسیل عظیمی برای ایجاد عصر پسا-کمبود و پیاده‌سازی عدالت در جامعه دارد. از این گذشته، پتانسیل مهندسی ژنتیک نیز بسیار زیاد است و دستاوردهای بزرگی برای انسان فراهم خواهد کرد و ممکن است جای فرایند تکاملی داروین را بگیرد و بتواند انسان را به «آبرانسان»^{۱۱} تبدیل کند. فناوری‌های بهشت‌ساز زندگی را زیبا خواهند کرد.



در عصر پسا-کمبود کسی دزدی نخواهد کرد. این عصر آبرفراوانی است که در عمل درب‌های دوزخ را می‌بندد.
(عکس از مژده حمزه تبریزی)

^۹ مکتبی در صوفی‌گری که پیروان آن از تظاهر به بی‌دینی برای پرورش «خود» یا «نفس» بهره می‌گرفتند.

^{۱۰} luxury for all
^{۱۱} superhuman

^۸ facial recognition

است ذخیره آنها به صورت نامتمرکز و از طریق فناوری بلاک‌چین¹⁰ انجام بگیرد. از این روی، در شهرهایی که بهشت‌سازان می‌سازند برقراری عدالت اقتصادی، اجتماعی، دیوانی، یا سیاسی با هیچ مانعی روبه‌رو نخواهد بود، و روندها هم‌سو با پیشرفت دانش و فناوری در رسیدن به عصر پسا-کمبود خواهد بود.

پرونده‌های الکترونیک و مرگ اجتماعی

چین نخستین کشوری است که برای شهروندانش یک سیستم اعتبار اجتماعی یا پرونده الکترونیک ساخته است که بر اساس رفتارهای شهروندانش در این پرونده امتیاز می‌دهد. شایان ذکر است که افزون بر دولت‌ها شرکت‌های خصوصی مانند Airbnb یا Uber نیز برای مشتریان‌شان پرونده الکترونیک می‌سازند، و در آنها علاوه بر آن که اجاره‌کنندگان و مسافران به صاحب‌خانه‌ها و راننده‌ها امتیاز می‌دهند و نظرات‌شان را درج می‌کنند، صاحب‌خانه‌ها و راننده‌ها نیز برای مشتریان‌شان امتیاز می‌دهند و رفتارهایی را که نامطلوب می‌دانند درج می‌کنند. پرونده‌های مؤسسات خصوصی به ویژه اگر تجمع شوند می‌توانند برای مردم خطرآفرین باشند. به عنوان مثال، اگر گروه‌های اقلیت که امتیازات منفی بالایی می‌گیرند از امکانات عمومی جامعه محروم شوند و به انزوا کشیده شوند ممکن است دچار مرگ اجتماعی (social death) شوند.

ویکی‌پدیا مرگ اجتماعی را حالتی می‌داند که گروه‌هایی از مردم از سوی جامعه بزرگ‌تر به عنوان کاملاً انسان پذیرفته نشوند، و به عنوان نمونه از برده‌ها و نژادهای خاص نام می‌برد. پرونده‌های الکترونیک چون به صورت انبوه و همگانی تولید می‌شوند می‌توانند گروه‌های زیادی از مردم را متمایز و مجزا کنند و آنها را از پاره‌ای از خدمات عمومی محروم کنند، که می‌تواند پدیده مرگ اجتماعی در جامعه را تشدید کند. □

منابع:

<https://medium.com/zipar/whats-wrong-with-china-s-social-credit-system-b9e1a2ffe71c>

پوشش قرار دهند و در عمل به جز محدود استخرهای روباز یا پارک مخصوص بانوان جایی برای دریافت ویتامین دی مورد نیاز بدن باقی نگذارند.

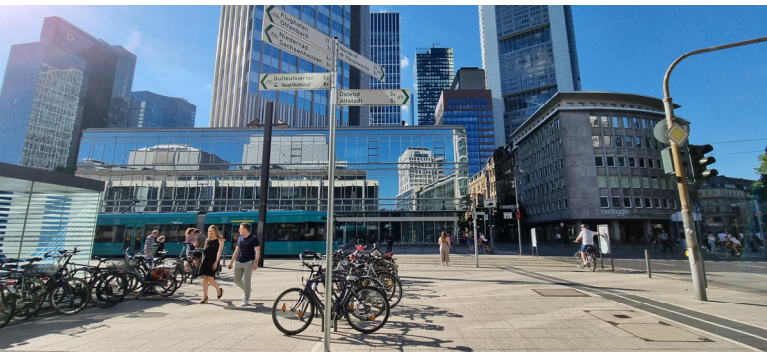
توزیع منابع محدودشده بر اساس امتیازات پرونده الکترونیک _ افزون بر این که به رانت‌جویی⁹ و رانت‌خواری و فساد گسترده دامن خواهد زد _ اجازه نخواهد داد که عدالت اقتصادی پدید بیاید. حتی اگر شهروندان ارزش‌های ایدئولوژیک را رعایت کنند بهشت‌بران افراطی (یا به ویژه رانت‌جویان) با شیوه‌هایی مانند برگزاری دوره‌ای امتحان معلومات ایدئولوژی، شهروندان را بر اساس نمره کسب‌شده به دو گروه دارای طبقه‌های مختلف «پشیبانان ایدئولوژی» و «سایرین» یا خودی و ناخودی تقسیم می‌کنند و منابع در میان این طبقات به طور نابرابر تقسیم خواهد شد. پرونده الکترونیک طبقه‌بندی‌کننده شهروندان _ که حاوی سنجه‌های مربوط به ارزش‌های ایدئولوژیک است _ نه تنها جلوی پدیدآمدن عدالت اقتصادی را می‌گیرد بلکه عدالت اجتماعی، عدالت سیاسی، و عدالت دیوانی را نیز به یک رؤیا تبدیل خواهد کرد. در عمل، دوزخ‌دورسازان برای دورکردن مردم از دوزخ آسمانی یک دوزخ زمینی برای گروه «سایرین» برپا می‌کنند.

در مجموع، نظر به این که دیدگاه بهشت‌بری یا دوزخ‌دورسازی افراطی همواره به امتیازات پرونده الکترونیک برای رسیدن به هدف خود اتکا خواهد داشت در برقراری عدالت اقتصادی یا عدالت اجتماعی ناکام خواهد بود. تقسیم‌بندی خودی و ناخودی نیز به رانت‌جویی و رانت‌خواری و فساد گسترده خواهد انجامید.

بی‌گمان، در شهر هوشمند بهشت‌سازان نیز از پرونده الکترونیک بهره گرفته خواهد شد، اما چون بهشت‌سازان برای رسیدن شهروندان به بهشت آسمانی نسخه‌ای نمی‌پیچند و تحقق این خواسته شخصی و خصوصی را در اختیار خود شهروندان قرار می‌دهند در پرونده‌های الکترونیک این شهرها تعداد سنجه‌ها اندک و مربوط به پاره‌ای از قوانین شهروندی مانند قوانین عبور از خط‌کشی عابر پیاده یا مدیریت پسماند خواهد بود که در همه شهرها و نقاط مختلف جهان مورد پذیرش مردم با هر سلیقه و مرامی است و تقریباً همه شهروندان جامعه با کمی آموزش آنها را اجرا خواهند کرد و در نتیجه منابع بر اساس امتیازات پرونده‌ها توزیع نخواهد شد. هرچند، در این شهرها برای این که پرونده‌های الکترونیک مورد سوءاستفاده قرار نگیرند ممکن

¹⁰ blockchain

⁹ rent-seeking



■ خودتان با «همکاری باز» شهر هوشمند خودتان را بسازید

معماران شهر هوشمند نه تنها از فناوری می‌توانند برای صرفه‌جویی در مصرف انرژی، مدیریت هوشمند آلودگی هوا و پسماند، مدیریت مصرف آب، طراحی شهر سبز، و سیستم اینترنت وای‌فای بسیار سریع رایگان در سرتاسر شهر هوشمند بهره‌گیرند، بلکه می‌توانند شهرها را برای آسایش و رفاه بیشتر شهروندان طراحی کنند و حتی مناطق یا شهرهایی را با همکاری باز بر اساس سبک زندگی‌های ویژه و دارای قوانین و مقررات ویژه بسازند. شهر هوشمند شهری ارگونومیک است که در آن نه تنها مبلمان فضاهای شهری مناسب طبیعت انسان‌ها ساخته می‌شود، بلکه زیرساخت‌های آن بر اساس دانش ارگونومی برای سبک زندگی‌های ویژه شهروندان می‌تواند ساخته شود.

فناوری‌های اطلاعات این توانمندی و انعطاف‌پذیری را برای اجرای قوانین و مقررات مختلف برای مناطق هوشمند مختلف می‌توانند فراهم کنند و در نتیجه می‌توان شهرهای هوشمند یا مناطق هوشمند مختلفی را بر اساس طرز تفکر و سبک زندگی^{۱۱} و حتی سبک دیوانی (بوروکراتیک) مختلف طراحی کرد.

این نوع معماری مستلزم وجود امکاناتی برای آگاه‌ساختن شهروندان از ورودشان به شهرها یا مناطق دارای قوانین و مقررات ویژه است و همچنین امکاناتی برای انعطاف‌پذیری در قوانین و مقررات. شهروندان از طریق فناوری‌هایی مانند GPS، وای‌فای، یا سیگنال‌های دکل‌های تلفن همراه از ورود خود به مناطق یا شهرهای هوشمند ویژه به آسانی آگاهی می‌یابند.

جامعه الکترونیک جامعه‌ای است که در آن گروه‌های دارای سلیقه‌ها و اهداف مشترک به راحتی بتوانند شکل بگیرند، و حتی بتوانند برای رسیدن به اهداف مشترک‌شان از فناوری‌های همکاری باز بهره‌گیرند؛ به بیان دیگر، افرادی که طرز تفکر و سبک زندگی مشابهی دارند می‌توانند از طریق همکاری باز شهر هوشمند خودشان را بسازند. همکاری باز در طراحی شهر هوشمند به ویژه برای جامعه‌هایی که قطبیدگی^{۱۲} تاریخی و لاینحل و پنهان داشته باشند کارساز است.

مردم دارای طرز تفکرها و ارزش‌های ایدئولوژیک و سبک زندگی‌های متفاوت با همکاری باز می‌توانند معماری شهرها را بر اساس هم‌فکری طراحی کنند و با چاپ‌گرهای سه‌بعدی ساختمان‌های طراحی شده را بسازند و مقررات شهر را نیز با هم‌فکری وضع کنند. □

دوچرخه‌سواری برای هوای پاک

گرمایش زمین یک خطر بزرگ برای آینده انسان است و آلودگی هوای شهرهای بزرگ یک خطر بزرگ دیگر کنونی برای انسان است. یک هدف مهم شهرهای هوشمند مقابله با این دو خطر است. یکی از راه‌حل‌ها، بهره‌گیری شهروندان از دوچرخه به جای خودرو است که در بسیاری از شهرهای اروپایی مدت‌هاست آغاز شده است. آلودگی هوای تهران قابل قبول نیست. همگان در برابر آلودگی هوا و همچنین گرمایش زمین مسئول هستیم. آیا از لحاظ دینی وزنی منفی برای آلوده‌سازی هوایی که تنفس می‌کنیم محاسبه می‌شود؟

همچنان که گفته شد انسان ساکن در کره زمین تنها ماشین خلاق شناخته شده در کائنات است که او که اسرع‌الحاسین است آفریده است، آیا از لحاظ دینی برای خطر گرمایش زمین که کره زمین و شهر هوشمند را تهدید می‌کند وزنی محاسبه می‌شود؟ اگر دوربین‌های ترافیک بخواهند برای نیمی از جمعیت شهرها، یعنی بانوان دوچرخه‌سوار، مشکل به وجود بیاورند این فرهنگ جا نخواهد افتاد.

گذشته از آن، ظرفیت پایش دیجیتال نیروهای انتظامی باید در حوزه‌هایی به کار گرفته شود که مشکلات بزرگی را برای مردم به وجود آورده‌اند، که برطرف کردن‌شان وظیفه اصلی آنهاست، مانند دو نمونه زیر: ۱. بیش از یکصد و پنجاه سال از ورود نخستین خودرو به ایران عزیزمان می‌گذرد، هنوز تعداد زیادی از رانندگان به حرکت بین دو خط عادت نکرده‌اند؛ ۲. خودروها به عابر پیاده‌ای که می‌خواهد از خط‌کشی عابر پیاده عبور کند توجه ندارند. □

(عکس از مزده حمزه تبریزی، فرانکفورت)

^{۱۱} lifestyle

^{۱۲} social polarization

۳۲ امین سال انتشار ماهنامه

ریزپردازند



ریش و سیبلی که مارسل دوشان (Marcel Duchamp; 1887-1968) بر روی چهره مونالیزا کشید پاره‌ای را چنان رنجانده که خواستار محاکمه او شدند. اما معجزه رواداری چنان بوده است که این اثر او و همچنین پیشابگاهی که او به عنوان یک اثر هنری ارائه کرد به عنوان شاهکارهای هنری قرن بیستم مطرح شوند.

(عکس‌ها از مؤده حمزه تبریزی؛ موزه هنر اشتدل فرانکفورت)